فيركارى كوردى ههورامي

نووسهر:مهنسوور روحمانی جودسه در موجمات

کوکردندوه و ناماده کردنی:نیحسان میرهکی **کوکردبههه و باماده کردبی:بیحسان میره**ی

(V19/100)

خشتهو ئەلفوبيو ھەورامى بە شيوەو عەرەبى

۱ - أ : تا: تاوان (آبادان) ، تق: تقه، ئي: تيمان، توونه: (آن) ۲- ب: باخ، بهره (باغ، درب) ۳ - ت: تاته، تهژنه (پدر، تشنه) ۴ - : پار، شهيوله (پارسال، موج) ۵- ج: جهنجال، جهژنه (شلوغی، جشن) ع- ج: چراوی، چهمه را (چراغ، منتظر) ٧- **ح: حەقەتى** (حقىقى) ۸- خ: خهرمان، خوای (خرمن، خندیدن) ٩- د: ديمهن، گرد (منظره، همه) واجگونهي [ن] ئاد (او) ئادي (ايشان) ۱۰ ر: وهروه ، ههرمانه (برف، کار) ۱۲ ـ ز: زارو ، هێزمي (بچه، هيزم) ۱۱- ر: روزنه رهگذر) ۱۳- ژ: ژیوای، ژهم (زندگی، وعده خوراک) ۱۴ - س: سووچیای، راس (سوختن، راست) **۱۵ - ش: شۆت، مەشى** (شير، مگس) ۱۶- ع: عهودال (خانهبهدوش) ۱۷ - غ: مغار (سوراخی در کوه) ۱۸ - ف: فووكهره، تفي (بادكنك، توت) ۱۹ - ق: قاران، تاق (باران، آبشار)

```
۲۰ ق: قول، تهقنای (یا، انفجار)
                                  ٢١- ك: كوّگا، كهرگه (محل اجتماع، مرغ خانگى)
                                                  ۲۲- گ: گاهاز، گیاو (شاید، گیاه)
                                          ۲۳ ـ ل: لوای، سه لـمانای (رفتن، قبو لاندن)

 ٢٢- ٢: وڵاو، مڵه (گسترده و باز، موش)

                                           ۲۵ - م: ماچۆ، ماساوى (مى گويد، ماهى)
                                               ۲۶ ن: نما، مانیای (نماز، خستگی)
                                                            ٧٧- ا : ئاگه، (آنحا)
                                           ۲۸ - وو: دوو که لن، روومه ت (دود، چهره)
                                                      ٢٩ ـ وز: توزه، بوز (غيار، سا)
                                                      ٣٠ هـ: هاوار، ئاه (فرياد، آه)
۳۱ «ی» ده نگدار (مصوّت): تیسن ، ویسه رده (حسرارت ، گذشته /تساریخ) *
                                        «ی»بیدهنگ(صامت): یاوا، های (رسید، بیدار)
 ۳۲ - «و»دهنگدار(مصوت): (ـُــ) كورد (كُرد) * «و»بيّدهنگ(صامت): وهرم، ياو(خواب، تب)
                                              ٣٣ - ه: ( _ ) دهرد ، شهرم (درد، شرم)
                           ٣٠- ٧: (_) ي : ليث (سرازيري)، ٧ : لادي (زماني كوتاه)
```

نيشانهو بالهي: < ٧>

:(O)	دۆ	كۆ
۲:	دن	ملّه
ئ ي (ê):	ناميّ	ھێێھ
:	Ų	ھەرە
دەنگو[ڏ] :		

دهنگو [د] پیتی سهربهوی نییهن و فونیم اساو در و سرت من یانی جه الهسلهنه ههر در که واریای واچی «leanation یان لاوازبیهی»ش سهر المان. به آلم چنه واچی ههنی که اله که که منگوه و در د ونیووه بی مانای با. چی حاله ته به په المانگیری جه فیرکارینه تاومی اله واچانه که که میچهنی به شیوه و د آ بنویسمی یا پاوه ره قینه به فونیتیکه کهیش (شیوه و وهنه کهیش) الماژه که رمی.

پهي نموونهي: «ئهذا»" «ئاذ»" « ئاذه »" « ئاذي »" « بهذهريا»

سهرنج: نووسیه و واچههایه پیسه و «واردهی» یا «گرد» به شیوه و «واردهی» یا «گرد» هه لهن و نیمه تاومی هه لهن و نیمه تاومی وهختو و ونهینه به ههر دوه شیوه که وانمیشاوه. به لام تهنیا به شیوه و در منویسمیشا.

سهرنج: واچهو «ويت» به شيوهو [ويد]چ ونيووه به ڵام نمهو پيسه بنويسيو.

و دهنگدار u: کورد (kurd) کول (kuld) قول (qul).... و دهنگدار o: روّچی (roçê) بوری (borê)...... و بیدهنگ w: واران (waran) ساوی (sawî)......

ي:

کورێ: دوێ بڕڰێڹ

ئهگهر گوشار (stress) سهروو برگهی یهکهمیوه بو به ماناو < یك پسر >ین ئهگهر گوشار (stress) سهروو برگهی دووهمیوه بو به ماناو < پسران >ین نا'می: نیامدند

ناميّ': اسم

لفوبیّو فارسی و ههورامی (جیاوازبیهکا) نبای فارسی و هورامی (موارد اختلاف)		·	
مثال	هورامي	فارسى	رديف
آرام: ئارام	ئا	Ţ	١
احمد: ئەخمەد ، ايمان: ئيمان		ا (الف همزه)	۲
صاحِب: ساحيّب، عثمان: توّسمان	س	ص، ث	٣
عَطر: عهتر، طاهِر: تاهير	ä	4	۴
رضا: رزا، ظاهِر: زاهي ر	j	ذ، ض، ظ	۵
دَرد: دهرد، سرد: سهرد	٥	فتحه « ً »	۶
کُرد: کورد	9	ه » ضمه « »	٧
گوڵ (گل)	ÿ	\ _	٨
پەرى (عدد سە)	š	کسره « »	٩
گۆل (درياچە)	ě	_	١.
كەر (ناشنوا)	Ų	-	\\
ڤاران (باران)،	ä	_	۱۲
نووسیهی (نوشتن)	99	_	۱۳
۱ عزّت: عیّزهت ۲ عزّت: عیّززهت		تشدید « ّ »	۱۴
تشدید: در الفبای هورامی یا نوشته نمی شود یا حرف			
مشدد دوبار تکرار می گردد.			
هاوار (فریاد)، به به به ه (به به)		0/	۱۵
دن: میان حروف « د » و « ن »	بزرۆكە	_	18

ٔ - نیشانهو (ته قه لنی) « – » چی خشته نه به واتاو ثانه یه نه که ئی پیته جه ثه لفوینو فارسینه نییهن. نشانه ی خط فاصله « – » در این جدول به این معنی است که این حرف در الفبای فارسی و جود ندارد.

خشتهو پيمانهو رانووسو ههورامي

جدول شيوهى معيار املانويسي هورامي

مثالها	چگونگی نوشتن	عنوان	شماره
واردهی (خوردن)	هر کلمهای با « و » آغاز شود با یک	« و » اول واژه	١
ولات (كشور)	« و » نوشته میشود.		
نييەن (نيست)	حروف « ی » (y) صامت و « ی » (î)	نوشتن حرف	۲
n <mark>îy</mark> en	مصوّت با هم متفاوتند و اگر این دو « ی » با	« ی	
	هم بیایند باید هر دو «ی» را نوشت.	« G "	
دەوايىيەكىسە (آن	در زبان هورامی حداکثر سه « ی » در	سه « ی »	٣
دارو)	کنار هم میآیند که اولی و سومی		
dewa <mark>yîy</mark> eke	صامت و « ی » میانی مصوّت است.	در کنار هم	
ر ۆ (روز)	« ر » درشت در هر جای کلمه که قرار	« ڕ » درشت	۴
گــر (شعلهی آتش)	بگیرد؛ یعنی، آغاز، وسط یا پایان، بهتر	(نشانهدار)	
ههرِه (گِل)	آن است که نشانهی «۲» را برای آن	()(340(111)	
·	گذاشت.		
من و تۆ	« و »ربط مستقل از دو کلمه ی قبل و	« و » ربط	۵
ئارەزووە و ياسى	بعد خود نوشتهمی شود و به آنها		
	نمیچسبد و به صورت «وو» نیز		
	نوشتەنمىشود.		
كاروبار	در بعضی از کلمات غیرساده، مانند: «		۶
ئەل فو بى	دهنگوباس » ، « و » میانوند به صورت		
ئاماولواي	بخشی از کلمهی غیرساده در آمده است که	« و » میانوند	
	مجموعاً یک واژه محسوب می گردد؛ در		
	ایے مے وارد « و » بے صورت مستقل		
	نوشته نمی شود و جزئی از کل واژه است.		

	این« و » میان مضاف و مضافالیه قرار		
31 · 31 ·			٧
:	می گیرد و به مضافالیه می چسبد. لازم به	« و » نقشنمای	
اليه+ى	ذكر است « و » نقش نماى مضاف اليه	etchte.	
	همیشه همراه با یک «ی» در پایان	مضافاليه	
كتي <u>ْبو</u> حدمد <u>ى</u>	مضافالیه می آید: مضاف+ و + مضاف		
	اليه+ى. در واقع مجموع (و ى) نقـشنمـاى		
تبصره:	مضافالیه هستند.		
کتێ <u>بو</u> عهلی	تبصره:		
کتی <u>نبو</u> من	اگر مضافالیه به مصوت «ی» ختم شود، یا		
كتيّبو زاروٚڵا	ضمایر (من تۆ ئیمه شمه ئادىی) باشد و يــا		
	جمع باشد؛ «ی» پایانی را نمی گیرد.		
يٽکهس رانووس	چه اسم باشد چه اصطلاح، باید سر هم		٨
,	نوشتهشود.	واژهی غیرساده	^
مــثلاً: لــوا(رفــت.	در زبان هورامی فعل به دو صورت منفی	« ن »	٩
ماضی)تنها با نشانهی	می شود: اوّل با «ن و نه» نفی مانند: ملوو:	منفى كردن فعل	
«نه» منفی می شود:	نـمهلوو ∕مهردم: نهمـهردم و دومی با		
(نهلوا) و نمی توان	نشانهی «مه و که» مانند: وهروو: مهوهروو		
گفت مهلوا) چند	ملوو: مــهلوو (ایـن مـورد فقـط بـرای		
	فعلهای مضارع صدق می کند؛ برای		
نــــهواتش 🖊	یکدستشدن و رفع ابهام پیشنهاد		
شهنهم(انداختم):	میشود که در متون نثر و مخصوصاً		
!	نثرهای عادی و علمی (غیرادبی) فقط از		
,	نشانهی «ن و نه» استفاده شود.		
الله: ئەڭلا	تمامی واژههای بیگانهای که وارد زبان	واژههای بیگانه (دخیل)	٩
اكبر: ئەكبەر	کردی (همه ی شاخه ها) شده اند و یا	وارتبعي بيودد رد حين	,
	می شوند باید بر اساس نوشتار و الفبای		
	کردی نوشته شوند.		
	ر دی و سد سود		

جوان: جوانتهر،	« تهر، تهرین » برای مقایسه است و به	نشانههای	١.
تــهر:نشــانهی صـفت	کلمات قبل از خود می چسبد. نشانهی	ري د د د د د د د د د د د د د د د د د د د	,
تفضيلي	« تهر» نشانهی صفت تفضیلی است و از	« تەر ، تەرىن »	
عالتهرين	نظر معنی با کلمهی «تهر» که در		
,	هورامی به معنی « دیگر » است تفاوت		
يانيه تهر:	دارد. (تهر به معنی دیگر) جدا از کلمهی		
خاندای دیگر	ماقبل خود نوشته میشود.		
ئىي+ھىدردە = ئىي	این کلمات اگر قبل از قید «زمان یا	کلمات اشاره:	١١
هدرده	مکان» بیایند جدا نوشته میشوند.	ئ <i>ى</i> ، ئا، ئوو	
ئــا+ هـــهرده = ئــا	ئی: برای اشاره به نزدیك (این)	نی، ن، نوو	
هدرده	ئا: برای اشاره به دور (آن)		
ئوو+ هــهرده = ئــوو	نوو: برای اشاره به دورتر («آن» با بار		
ههرده د، د (ک.)	معنایی دورتر)		
ههرد (کوه) ۱ گان			
۱- گوڵیه کتیبیو گولایوه	۱ نشانههای نکرهی «ێو»، «ێوه» و «ێو»	نشانههای نکره	۱۲
تىيبىق توتىيۇ، گوڭى	بیشتر در لهجهی لهون به کار میرود.	((یه))،((ێۅ))،((ێوه))،((یو))،	
۲– رۆيە	بعد از واژههای مختوم به مصوت، نشانههای	((ێ))	
ڕۘۅٚڽۅ	«په» و «یو» به کار میرود.		
۱. هۆركەردەي	۱-این پیشوندها اگر با مصدر یا فعل یا هر	شیوهی نوشتن	۱۳
هۆر+كەردەى : (مصدر)	نوع کلمهی دیگری بیایند به آن میچسبند.	پیشوندهای	
۲- هۆرم گێردێ	۲. اگر ضمیر متصلی میان این پیشوندها و		
(هۆرمگیردێ) *	کلمهی بعد از آن قرار بگیرد، ضمیر متصل	هۆر ، ئەرە ، را ،	
هــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	به پیشوند می چسبد و جدا از کلمه ی بعد	، بەر	
منصل بهرش کهردي	نوشتهمی شود.(پیشوند « ئهره » با ضمیر متصل		
بدر <u>س</u> حدردی بهر +ش: (ش: ضمیر	نمیآید.)		
متصل)			
كتيبي عال	در زبان هورامی میان موصوف وصفت	نقشنمای صفت	14
ياند <u>ي</u> بەرز	«ی» قرار می گیرد.	«ئ»	

r	r		·
۱– رێك كەوتىێ	۱- اگر کلمهی دوم « فعل » باشد جدا	واژههای	۱۵
(توافق كردند)	نوشتهمیشود. (فعل مرکب)		
یـــق گێــردێ(متحــد	۲- اگر کلمهی دوم اسم یا مصدر یا هـر	« مر کب » و	
شوید)	کلمهی دیگری باشد به آن میچسبد.	« مشتق مرکب »	
-۲	(اسم/صفت مركب)		
رێککهوتهی(توافق)	,		
يۆگيرتدى(اتحاد)			
یانزده، دوانزه،	تلفظ «ن» به صورت خیشومی یکی از	نوشتن شمارههای	۱۶
سێنزه، چوارده،	گونههای تلفظ «ن» است و به همین		
پانزه، شانزه.	صورت نوشته میشود.	(19 — 11)	
ئە د ا: مادر	در زبان هورامی واج «د» و «ت»در	نوشتن واژهایی از قبیل:	۱۷
Ç	مواردی با توجه به «فرایند واجی تضعیف»		
ئاذ: او	به صورت « ن » تلفظ میشود. به عبارت		
۱۵۰۲ م ^۷ ۵۶	دیگر « له » واجگونهی «د» و «ت»است.	ئەڏا ، ئاڏ ،	
ئاڏ ێ: آنها	مثال: ئەحمەد = ئەحمەد گرد = گرد	(10 (1140	
	وێت= وێۮ		
	در این گونه موارد پیشنهاد می شود کلمات	ئاڏێ`	
وێ<u>ت</u>: خ ردت	از قبیل « ئه حمهد، گرد و ویت» که تلفظ		
گرد: همه	«د» و «ت»آنها معنی واژه را تغییر		
	نمی دهد به همین صورت (ئه حمه د، گرد و		
	ویت) نوشته شود و کلماتی از قبیل: «ئالا»		
	ریـــ، و مستود ر میان رفته <i>جهت</i> که تلفظ « ئاد » آن ازمیان رفته <i>جهت</i>		
	سهولت در آموزش به صورت « ئاذ »		
	نوشته شود.		
ئاھ،	به صورت تنها و در پایان واژه باید به		\ A
هاوار		حرف « 🧟 »	۱۸
7,5-			
	صورت « ه » اشتباه است.		<u> </u>

[.] کلماتی از قبیل « نهدا، ناد » نیز در گذشتهی زبان هورامی به صورت « ناد، نادی » تلفظ شدهاست که به مرور زمان و بر اساس فرایند تضعیف شکل تلفظ آنها تغییر یافته است. (ر.ک فرهنگ زبان پهلوی، مکنزی)

ElfÛbêy hewramî be latîn

₹ -Ŷ	۵- ج	۴- پ	٣- ت	۲- ب	۱۔ ئا
Çç	Сc	Pр	T t	Вb	A a
۱۲ - ز	۱۱- ڕ	۱۰_ ر	۶ – ۹	۸- ځ	7 - Y
Z	Ŕŕ	R r	D d	Хx	ĤÞ
			d'		
۱۸ - ف	١٧ - غ	۱۶ ع: ۲	1۵ – ش	۱۴ - س	۱۳- ژ
F f	Χ̈́Χ	': ۶	Şş	Ss	J
y - 14	۲۳ ل	۲۲ گ	۲۱ – ك	۲۰ ق	& -19
ĹÍ	L1	G g	K k	9 q	V v
۳۰ ه	۲۹ ـ ق	۲۸ ـ وو	۲۷-و بیدهنگ	۲۶ ن	۵۲ م
H h	0 0	Û û	W	N n	M m
۳۶ بزرۆكە	۳۵ و دانگدار	_ -**	<u> </u>	۳۲ ی دهنگدار	۳۱ – ی بیّدهنگ
i	U u	Êê	E e	Îî	Y y

sernc: (' = g), (' = g)

Azîz diyar en, wadey liwam en Elweday axir ewe namam en Dewletekey wesl pa ne zewal en Carêw ter dîden balat mehal en Sa dil-im weş ker we îltîfatê Bidyewe lawe, biwînût satê Ba beyo şinoy şîrîn razeke-t Goş dero ladê meynet gazeke-t Axir sefer en, ra xeylê dûr en Menzil bê payan toşe zerûr en Dînit toşey çem, meyli-t toşey dil Raz-it toşey goş, menzil we menzil Kê zano çon bo ey dinyay badî? Ba bibo ne beyn gerden azadî! Min şewê nale-m coş awerde bo Segî asane-t bêdar kerde bo, Ya naste bo seyl dîde-m, nefesê Nesîm gerdi pa-t bero pey kesê Cemîn-it zeḥmet nîga-m kêşa bo Kefi pa-t we xar dîde-m êsa bo Ya kerdebo dil dêwaney dil teng Wexti nîşaney dilan pey xedeng Pelepel pey zewq zamê we tîr-it Azar da bo tay zulfi zincîr-it ... Ya nedabot toz gerdi palake-t Perê surmey çem siftey balake-t To biwyer ce min, min zû wîyerdim Hîmmet bo ha jar mḥrûmî-t werdim Cepgerd pey dûrî-t şana morey nerd We zahir Bane-ş we behane kerd Ta felek pê-man ne behane bo Er sed Bane bo baz şukrane bo Er firset-iş da pey dil xemîn-it 'Umrê dûbar en Carêw ter dîn-it Wer nast-is azîz to we silamet Dîdeni dîdar kewt ew qiyamet

ازیز دیارهن، وادهی لوامسهن دمولامته کسهی ومسلل پانسه زموالسهن جاريو تهر ديدهن بالآت مهحالهن سا دلّے وهش کے در وه ئیلتیفاتی بديــــهوه لاوه، بوينـــووت ســاتي با بهیو شنوی شیرین رازهکست گـــوش دەرو لادى مەينــــەت گازكـــەت ئــاخر ســهفهرهن را خــهیلی دوورهن مەنىزل بىن پايان تۆشسە زەروورەن دينت تۆشــهى چـــهم مهيلت تۆشــهى دل رازت توشهی گوش مهنرن وه مهنرن... كئ زانو جون بو ئەي دنياي بادى با ببو نه بهان گهددن ئسازادی مـن شـهوى نالّـهم جـوش ئـاوردهبو ســـهگى ئاســـانەت بێـــدار كـــهردەبۆ يا ناستهبو سهيل ديدهم نهفهسي نەسىيم گەرد پات بەرۆ پەى كەسى جــهمينت زهحمــهت نيگـام كێشـابۆ كــه في پــات وه خــار ديــدهم ئيشــابو يا كەردەبۇ دل، ديوانسەى دل تسەنگ ومخت نیشانهی دلان پهی خهدنگ ئسازار دابسو تساى زولسف زمنجسيرت ... يا نهدا بوت توز گهرد بالاكهت پـهرێ سـورمهی چـهم سـفتهی بالاکـهت تـو بويــهر جــه مــن، مــن زوو وييــهردم هيممــهت بــوّ هــا ژار مــهحرووميت ومردم چەپگەرد پەى دوورىت شانا مۆرەى نەرد وه زاهيّــر بانــه،ش وه بههانــه كــهرد تا فهلسهك پيمسان وه بههانسه بسوّ ئــهر ســهد بانــه بــق، بــاز شــوكرانه بــق ئــهر فرســهتش دا پــهی دل خــهمینت عــومرێ دووبــارهن جــارێو تــهر دينــت وهر ناسستش ئسازيز تسو وه سسلامهت ديـــدهن ديـــدار كــهوت ئــهو قيامــهت!

چهن خاليوه جه رازوانو ههورامي

جۆرەكاو شناسەي:

۱. **شناسهو ویهردهی نهویهری**(ماضی ناگذر):

همرمانی بی یاسا: (گن): ریشمو ئیسمی) (کموت): ریشمو ویمردهی)

كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم	كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم
كۆ	کۆ	كۆ	تاك	تاك	تاك
يّ (ي)	دێ	می	Ø	ی	ا(نی)
ک <i>هوتێ</i>	كەوتىدى	كەوتىمى	كەوت	كەوتى	كەوتا(نى)

همرمانی یاسامهند: (خو:ریشمو ئیسمی) (۱= نیشانهو ویمردهی) (خوا: ریشهو ویمردهی)

كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم	كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم
كۆ	کۆ	کۆ	تاك	تاك	تاك
یّ (ی)	دێ	می	Ø	ی	نی
خوا <u>ي</u>	خوايدي	خوا يميّ	خوا	خوای	خوانی

۲. ویهردهی ویهر (ماضی گذرا)

كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم	كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم
كۆ	کۆ	کۆ	تاك	تاك	تاك
Lå	ت	ما	ش	ت	۴
كياستشا	كياستتا	كياستما	كياستش	كياستت	كياستم

۳. **شناسهو ئیسهی ویهری** (ماضی ناگذر)

كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم	كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم
كۆ	کۆ	کۆ	تاك	تاك	تاك
1	دێ	می	ۆ	ی	99
كيانا	کیانمی	کیا نمی	كيانۆ	کیانی	كيانوو

۴. **شناسهو ئیسهی نهویهری**(ماضی ناگذر)

كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم	كەسى يەرەمى	كەسى دووھەمى	كەسى يەكەم
كۆ	كۆ	کۆ	تاك	تاك	تاك
1	دێ	می	ۆ	ی	99
1	گندێ	گنمی	گنۆ	گنی	گنوو

زەمانو ھەرمانەكا:

ویهردهی ساده(ماضی ساده): «هدرمان» و «ویهر »ی: «نیر»

كياستشا	كياستتا	كياستما	كياستش	كياستت	كياستم	ويەر
شا	تا	ما	ش	ت	م	شناسه

پدی «هدرمان»و «ما»ی: « ـه » نیشانه و «ما»ی

كياستهشا	كياستهتا	كياستهما	كياستهش	كياستهت	كياستهم	ويەر
شا	تا	ما	ش	ت	م	شناسه

«هدرمانی ندویدر» پدی «نیر» و «ما »ی: وت+ ا/انی ...

وتی	وتێدێ	وتێمێ	وت (ن) / وته(م)	وتى	وتا⁄ وتاني	نهويهر
ێ	دێ	مئ	Ø	ی	ا⁄انی	شناسه

ویهردهی دهوامی (ماضی استمراری): «هدرمان» و «ویهر »ی: «نیر» و «ما»:

کیانێنێ	كيانيندى	کیانینمی	کیانی	كيانينى	كيانينا	ويدر
ێ	دێ	مئ	Ø	ی	1	شناسه

«هدرمانی نهویدر» پدی «نیر» و «ما »ی: .

ڻوێنێ	ڻوێندێ	نوێنمێ	نوێ	نوێنی	نوێنا	نهويهر
ێ	دێ	مئ	Ø	ی	1	شناسه

ویهردهی تهمام (ماضی نقلی): «ههرمان» و «ویهر سی: پهی «ههرمان» و «نیر سی:

كياستهنشا	كياستهنتا	كياسته نما	كياستهنش	كياستهنت	كياستهنم	ويدر
شا	تا	ما	ش	ت	م	شناسه

پهی «ههرمان» و «ما»ی:

استينهشا	كياستينهتا كب	كياستينهما	كياستينهش	كياستينهت	كياستينهم	ويدر
شا	تا	ما	ش	ت	م	شناسه

«ههرمانی نهویهر» پهی «ما»ی:

وتێنێ	وتێندێ	وتێنمێ	وتێنه	وتێنى	وتينا	نهويهر
ێ	دێ	مێ	Ø	ی	1	شناسه

«هدرمانی نهویدر» پدی «نیر »ی:

وتێنێ	وتێندێ	وتێنمێ	وتهن	وتهنى	وتهنا	نهويهر
ێ	دێ	مێ	Ø	ی	1	شناسه

ویهردهی دوور(ماضی بعید): «هدرمان» و «ویدر »ی: پدی «هدرمان» و «نیر »ی:

كياستهبيشا	كياستهبيما	كياستهبينما	كياستهبيش	كياستهبيت	كياستهبيم	ويهر
شا	تا	ما	ش	ت	م	شناسه

پهی «ههرمان» و «ما »ی:

كياستيبيشا	كياستيبيتا	کیاستیٚبیّما	كياستيبيش	كياستيبيت	کیاستیٰبیْم	ويدر
شا	تا	ما	ش	ت	م	شناسه

«هدرمانی ندویدر» پدی «ما »ی:

وتيبيني	وتێبێندێ	وتێبێنمێ	وتێبێ	وتێبێنی	وتيبينا	نهويهر
ێ	ێۮێ	ێڡێ	Ø	ی	1	شناسه

«ههرمانی نهویهر» پهی «نیر)ی:

وتيبيني	وتيبيندي	وتێبێنمێ	وتهبي	وتەبينى	وتهبينا	نهويهر
ێ	ێۮێ	ێڡێ	Ø	ی	1	شناسه

ویهردهی مهرجی (ماضی التزامی): «هدرمان» و «ویهر »ی: پهی «هدرمان» و «نیر»ی:

كياستهبۆشا	كياستهبۆتا	كياستهبۆما	كياستهبۆش	كياستهبۆت	كياستهبۆم	ويەر
شا	تا	ما	ش	ij	م	شناسه

پهی «ههرمان» و «ما »ی:

كياستيبوشا	كياستيْبۆتا	كياستيْبۆما	كياستيْبۆش	كياستيْبۆت	كياستيْبۆم	ويەر
شا	تا	ما	ش	ت	م	شناسه

«ههرمانی نهویهر» پهی «نیر»ی:

وتيبا	وتێبێدێ	وتێبێمێ	وتەبۆ	وتهبى	وتهبوو	نهویهر
1	ێۮێ	ێڡێ	ě	ی	وو	شناسه

«ههرمانی نهویهر» پهی «ما»ی:

وتيبا	وتێبێدێ	وتێبێمێ	وتێبۆ	وتێبی	وتيبوو	نهويهر
1	ێدێ	ێڡێ	ۆ	ی	وو	شناسه

ویهردهی بهردهوام(ماضی مستمر): «ههرمان» و «ویهر سی: «نیر» و «ما»:

کیانای	کیانای	کیانای	کیانای	کیانای	کیانای	ويدر
کیانی <i>نی</i>	کیانیّندیّ	کیانی <i>نمی</i>	کیانی	کیانینی	کیانیّنا	
ێ	ێۮێ	ێڡێ	Ø	ی	1	شناسه

«ههرمانی نهویهر» پهی «نیر» و «ما »ی:

گێڵٵؽ گێڵێڹێ	گێڵای گێڵێڹۮێ	گێڵٵؽ گێڵێڹڡێ	گیّلای گیّلیّ	گێڵٵؽ گێڵێنی	گێڵای گێڵێنا	نەويەر
ێ	دێ	ميّ	Ø	ی	1	شناسه

ئیسهی ههوانی (مضارع اخباری): «ههرمان» و «ویهر »ی: «نیر» و «ما»:

کیانا (مکیانا)	كياندي	كيانمي	کیانۆ (مکیانۆ)	کیانی	كيانوو (مكيانوو)	ويەر
	مکیاندێ)	(مكيانميّ)		(مکیانی)		
1	دێ	مئ	ě	ی	وو	شناسه

ئیسهی مهرجی (مضارع التزامی): «هدرمان» و «ویدر »ی: «نیر» و «ما»:

بكيانا	بكياندي	بكيانمي	بكيانۆ	بكيانى	بكيانوو	ويەر
1	دێ	ميٚ	ě	ی	وو	شناسه

ئیسهی بهردهوام (مضارع مستمر): «ههرمان»و «ویهر»ی: «نیر» و «ما»:

کیانای کیانا	کیانای کیاندی			کیانای کیانی	کیانای کیانوو	ويەر
1	دێ	ميٚ	ě	ى	وو	شناسه

«هدرمانی نهویهر» پدی «نیر» و «ما»ی: .

گیّلای گیّلا	گیّلای گیّلدیّ	گیّلای گیّلمیّ	گێڵای گێڵۏ	گیّلای گیّلی	گیّلای گیّلوو	نەويەر
1	دێ	ميّ	ě	ی	وو	شناسه



چهمه (مصدر):

چەمەى سادە دوى جۆرين:

۱. رپشهو ههرمانو ئیسهی + ای:

لوای (لو+ ای) گیلای، خوای، زانای، توانای،نالای

سەرنج: واناى: وەنەى، كەناى: كەنەى

۲. ریشه و ههرمانو ویهرده ی + هی:

واردهی (وارد+ می) مهردهی، کهوتهی، وتهی

ههرمانی ئهمری:

نیشانه و ههرمانی ئهمری: ب ه (تاك)/ دی (كۆ)

ب+ رگ و ههرمانو ئیسهی+ ه:

ب +وهر+ ه: بوهره ب +وان+ ه: بوانه

ب +وهر+ ه: بوهردي / بواندي بواندي

نەرىكەردەو ھەرمانى:

ئەلف. به وەلگیر و «ن - نه»: ملوو: نمهلوو - واردم: نواردم لوا: نهلوا

ب. به وه لکیر و «مه . مه»: وهروو: مهوهروو / ملوو:مه لوو

ئی وه لاگیره پهی گردوو ههرمانه کا به کار نمه لۆ. پهی نموونهی نمه تاومی واچمی:

واردم: مهواردم

پهی رهحه تی کارو فیرکهرده ی باشته رئانه نه پهی نهریکهرده و گردوو ههرمانه کا نیشانه و «ن – نه » ی به کار بارمی .

«نير» و «ما»:

فير: حەقەتىن: تاتە، ھەسوورە، پيا، كور، ئەسپ

نير: مهجازى: نان، ئاسمان، وهرهتاو، ديان

ها: حدقه تين: ئه دا، ژه ني، كناچي، والي، وهوه

ما: مهجازی: دهفه، ئاوی، مانگه، تهوهنی

نیشانهکاو رهگهزو «ما»ی:

ئەلف: ‹(ێ)›

ئهگهر رهگهزو واچیه نیر بو و به «ه» كوتاییش ئامهبو كوتایی رهگهزو ماكهیش بو به «ی»:

گەورە: گەورى گەورەكە: گەورەكى ويكلە: ويكلى چەرمە: چەرمى

ئانه: ئانى ئوونە: ئوونى ئىنه: ئىنى

ئی یاسا ڕازوانیه تهنیا پهی واچههایه به کار مهی که هاوه لنام(سفهت) یان یاگهنام با.

:((♦)) : **□**

ئهگهر ره گهزو واچیه نیر بو و به «ه» کوتاییش نامهبو کوتایی ره گهزو ماکهیش بو به «ه»:

گاو: گاوه باخهوان: باخهوانه يۆ: يۆوه (يۆ چانيشا/ يۆوه چانيشا) قالى، قالىه

مانگه: مانگه دیارهند. «ه» نیشانهو رهگهزو «مای»ن.

سهرنج: فره ته روو ئا ناما که کوتاییه که شا پیتو «ی» بو جه بواروو رازوانیوه پیسه و ره گه زو «ما »ی مامه له شا چه نی که رمی نه یه ی نموونه ی:

ئاوى: ئاوه كى باره. «ئ» نيشانهو ره گهزو «ماى»ن.

ساوی: ساوه کی نه ک ساوه که

سهرنج: ئهگهر سفه تیه ئاخرین پیتش «۱» بق سفه تیه پیایانهن. ئهگهر گهره کما بق کهرمییش به سفه تیه ژهنانه، «ی»یه ش پهنه زیا کهرمین.

-ماسا: ماسا(نير) ماسای! (ما) -ئا پيا فره ماسان. ئا ژهنی فره ماساينه.

-پیایه زانا -ژهنیه زانای

-توانا(نیّر) توانای(ما) ∕ (پیایه توانان. ژهنیه تواناینه.) «تواناش فرهن (نیّر)» «توانایش فریّنه(ما)»

بى لايهن: شير، فيل . ههم تاوق شير يان فيلى «نير» بق ههم «ما» (شيره كه: نير / شيره كي: ما)

نیشانهو «کۆ»ی:

الف. «يّ»: ههرد: ههردي / بان: باني / كتيّب: كتيّبي

سهرنج۱: ئهگهر كۆتايى واچيه «۱» بۆ پيسهو «پيا»ى «كۆ»وهكهش بۆ به «پياى»

سهرنج۲: ئهگهر كۆتايى واچيه «ه» بۆ پێسهو «يانه»ى «ه»و واچهكهى وهختوو كۆوهكهردهى لامشۆ: «يانى»

ب. «۱»: تهنیا دلی رسته ینه به کار مهی: واچه پا کورا. / ملمی سهرو بانا /

سهرنج: نیشانه و «کۆ»و «۱»ی فرهته رگنو دماو پالنهری (مضاف الیه): درهخت و باخا ریانه و ناغایا رکم شوت و مهیا

ج. «ان» ئى نيشانه فرەتەر جە شيغرەنە بەكار ملۆ:

-نیشانهو پالنریا و پالنهری: <و ی >

نشانهی مضاف و مضافالیه

پاڵنريا+«و» + پاڵنهر+ «ی»

پێسهو:

كتيبو ئارژينى / شارو سنهى

سهرنج ۱: ئه گهر پالنهر یا گهنام بو نیشانهو «ی» به کار نمارمی:

د لو من

سەرنج ۲: ئەگەر پالنەر بە پىتو«ى» كۆتايىش ئامەبۆ دىسان «ى» بە كار نمارمى:

كتيبو عهلى

سهرنج ٣: ئه گهر پاڵنرياما بق، پيتو «ه» پهنه زياد كهرمي:

ئاوەو ھانەى ماساوەو يالنگانى

- (نیشانهو مای) + و (نیشانهو ئیزافهی) + هانه +ی

-نیشانهو وهسفی:

نام+«ی» + هاوه لنام: کتیبی عال / دلی گهوره / کوری نازا / یانهی وردی

سهرنج ١: ئه گهر نامي ، كو بو هاوه لناميچ بو به كو:

يانىٰ گەورىٰ

سهرنج ١: ئه گهر نامي ما بق، هاوه لناميچ بق به ما و به پيچه وانه يچ:

نيّر: ما:

کوری زیره ک کناچی زیرهکه

خيارى گولانه ماساوى گولانى

كورى ئازا كناچى ئازاى

دەنگو[د]:

دهنگو [د] پیتی سهربهوی نییهن و فونیم اساو در ن. یانی جه الهسلهنه ههر در ن که واپیای واپی «leanation یان لاوازبیهی» ش سهر المان. به لام چنه واپی ههنی که اله گهر دهنگو [د] به شیّوه و در در ونیووه بی مانای با. چی حالهتهنه پهی السانگیری جه فیرکارینه تاومی ای واپانه که کهمیّچهنی به شیّوه و [د] بنویسمی یا پاوهره قینه به فونیّتیکه کهیش (شیّوه و وهنه کهیش) الماژه کهرمی.

پهي نموونهي: «ئهذا »" «ئاذ»" « ئاذه »" « ئاذي »" « بهذهريا »

سهرنج: نووسیه و واچههایه پیسه و «واردهی» یا «گرد» به شیوه و «واردهی» یا «گرد» ههلهن. پهی ئانهیه چه به در ونیووه یان [د] هه ریه ماناشا ههن و ئیمه تاومی وهختو و ونهینه به ههر دوه شیوه که وانمیشاوه. به لام تهنیا به شیوه و در د منویسمیشا.

ياگهنام:

ياگەنامى جيا:

من تۆ ئاذ، ئاذه(ئاو، ئاوه)

ئيمه شمه ئاڏي (ئايشا)

ياگەنامى لكا:

دلام دلات دلاش دلاما دلاتا دلاشا

یاگهنامی هامبهش:

ويِّم ويِّت ويْش ويْما ويْتا ويْشا

نیشانهو «ئهشناس» و «نهشناس»ی:

نیشانهو «ئهشناس»ی:

۱. «هکه »: پهی نیری: درهخته که /گاوه که

سهرنج: ئهگهر كۆتايى واچيه «١» يان «ه» بۆ «ه»و «هكه» ش لامشۆ:

پيا: پياكه / يانه: يانهكه

۲. «۵کێ»: یدی مای:

كەرگى: كەرگەكىن / ۋەنى: ۋەنــ<mark>ەكى</mark>

نیشانه کاو «نهشناس»ی:

۱. «ێۅ»: پەى نێرى: كوړێو

۲. «ێوه»: فرهتهر پهي ماي: كناچێوه (ێوه پهي نێريش به كار مهي: كتێبێوه)

۳. «یه »: هدم پدی نیری و هدم پدی مای:

کوریه کناچی<u>یه</u>

باب<u>يه</u> ئەدا<u>يە</u>

۴. ((ێ)):

کورێ

چڵێ نه پهنا چڵێ نه پهنا چڵێ چون ڕ؋قیب نیشتهن نه پهنا(بێسارانی)

ئيرگيتيو جه ههورامييهنه:

من والهكيم بهرده.

بهرده با «وانی» مطابقت دارد نه با «من»از دو نظر:

از نظر شخص:

بهرده (سوم شخص)= (والي سوم شخص)

۲. از نظر جنس (مذکر و مؤنث):

(بهرده مونث است) (والي مؤنث است)

در سورانی:

من خویشکهکهم برد.

فعل فقط از نظر شخص با مفعول مطابقت دارد.

نامیّ مانگهکوردییهکا بهشوو سۆرانی، کرما نجی و ههورامی

نهورۆزمانگه	نیسان	خاكەليۆرە	فروردين	١
سهوزهمانگه	گولان (ئايار)	گولان	ارديبهشت	۲
وارانبر	حەزىران (حوزەيران)	جۆزەردان	خرداد	٣
کۆپږ	تيرمده (تدمووز)	پووشپەر	تیر	۴
گەلاويْژ	تدباخ (ئاب)	گەلارىخ	مرداد	۵
خەرمانەمانگە	ئيلوون (ئەيلوول)	خەرمانان	شهريور	۶
ترازوو	جووتمه (تشرینی یه کهم)	ڕەزبە ر	مهر	٧
گەڭاخەزان	مژدار (تشرینی دووهم)	خەزەلىرەر، گەلارىنزان	آبان	٨
كەنەھەرز	کانوون (کانوونی یهکهم)	سەرماوەز	آذر	٩
ئارگا	چله (کانوونی دووهم)	بهفرانبار	دی	١.
رابران	سهبات (شوبات)	ڕێؠ ﻪﻧﺪﺍﻥ	بهمن	11
سياومانگه	ئادار (ئازار)	رەشەمە	اسفند	17

نموونهو شيعرى ههورامي

بیسارانی (۱۰۵۳–۱۱۱۳)

مابدین دوسی من و تو کامسدن؟
مدر قاتی کاغدز، دوعاو سلامدن؟
سیاش بکدری پدی دهردهداران؟
یا خو عارتدن، دوس وهیاد کدردهن
فداندک نمازو کسدس وه خاتر شاد
وستدنت وهبیز، بدندهی بسی تاوان

چراغیم کامین چراغیم کامین ندعهرزدت عدرزدن، ند نامدت نامدن مدر پدردی کاغیدز بریان جد شاران یا کاغیدز بریان، یا میدال میدرددن غدمگین میدنیشد غیم بددر وه باد ودرند یانی چیش بینایی چاوان

* * *

جهر بهیانهوه جهر بهیانهوه خالی دیم جه بهین دور بهیانهوه حهکاکانی رو گرد بهیانهوه ههتا (موستهفا) سهر مهنیانهوه

حالی پیم یاران جسو بدیانسوه وه بانسی بدیان مسهشنیاندوه کی دییمن مهغریب جه بدیاندوه؟ همروا به حمسرهت نمو بدیاندوه

* * *

دەروونى عاشق، بىن داخ نمىدېر بى جەفا، ھەرگىز سىدفاش نمىدېر بولبول جە عەشقش بىنىزار نمىدېر نالیمی دوردودار، بین ناخ نمیهبر عاشق تا دومی جمه فاش نمیهبر گول جه گولستان بی خار نمیهبر

هدر کهسی عهشقش رهفیق نمهبر مهحرزوونی عاشق، بسی یار نمهبر تا مهجاز نهبر مهقیق نمهبر شیوه مهجنوونی، بی لهیل نمهبر هدر کهسی جه عهشق دلشاد نمهبر

واسل به تهریت حهقیق نمهبو عاشقان بسی یار، مودار نمهبو حهقیق بی مهجاز، تهحقیت نمهبو کوکهنی فهرهاد، بی مهیل نمهبو دهری خهیر یهریش، گوشاد نمهبو

وهسار نسانا وهسار نسانا بولبسولان نهغمسهی پزگساری وانا واراوه پینزه هسووناو وه زهمیسن وهنسراوان هسورزا، شسهتاوان مسالا سهیلات هسوریزا، شسهتاوان جوشا داران پهنگسی سهوز پهیدا کهددهوه سهنگهرچهی گولان، جه نهو پهیدا بی نهوهلا وهنهوشه جه خاك هوردا سهر نهوروز گولا کریاش تاسهی سهراوان چنوور کونه زید لهیلاخان کهرد مهیل

وههاری رونگ سهوز، زورگسوون نمانا عاشقان جه چهم، هیووناوان شانا پرلسی نازداران، جسهلادا جسهمین وهنسر لانسیار بسهردهن وهبالا عمرسمی سمرزهمین، بمرگی سهوز پرشا رونگی سیای تار، جه وی بسهردهوه عاشقان بسی هوش بهتهر شهیدا بی بری عمنبمر مهدی، چوون زولقی دلبمر بسهرهزا نه پای ریسزهی وه فیراوان بسترهزا نه بای ریسزهی زولقی لهیل توقتوق جهم بهستهن، وینهی زولقی لهیل

وهلی دیوانه (سهدهی ۱۸ و ۱۹ز)

ها بیم وه مسهجنوون بینزیای هززان مدر هدر نه هدرده ی نسه ژدم بدززان یا هام نه هدردان یا نسه کوساران نه هدر کو کومای وه حشیان جدم بو شدو کوما کومای دیوانی منسدن شاساری نسه یورت ویراندم نهبو

بینزیای هزان بینزیای هزان بینزیای هزان شدگدر وه دوزم بدیان دلسوزان شدگدر خدمخواران نه یادم باران نه هدر جایی خاك زهمین پدر ندم بو شدو جاگه جاگهی گریانی مندن شدر دیان یدکی نیشاندم ندبو

سهنگی سیا رهنگ سفتهی ههواران چرون من هامشهریك دهرد و پهژاران یه پهی چینش رهنگت تازیهت بارهن؟ بی پهیدهنگ و بیزهنگ مات و مهلالی پهیمهندهی ههوار کامین هیزانی؟ جه هیجرانی کی بهرگت قهلاخهن؟ پهروانهی پهشیر دوورکهفتهی پای شهم نه تهی جا مهسکهن گوزهرگهی خیلهن جای عهیش و نیشات عهنبهر نافانهن ماوای شهوق و زهوق زهمزهمهی شادین

سهنگی همواران سهنگی همواران مهانگی همواران مهلوول و ماتهم پدسمهنده یی یاران تو سهنگی کو بسی یه کام همواره ن؟ سفته ی سهودای عهش کامین نهوهالئی تو جمه داخی کی سفته و سوزانی راست واچه هیجران کینت نه دل داخه ن؟ سهنگ وات سیابه خت ستهم کیشی به خت ممهر نمهزانی لیناویت لینادیت نیاله ن یورت و چراگای خینای جافانه ن

ته شریف ماره ران وه زید و زامه ن من جه نه و به ته ر لالا بیم جه زوان داغدار و داغگای دهست نهو یارهن ها بیم وه هامراز سهنگی ههواران پادشای غهمکیش غهه خوارانه دن پاییز کوچی خیر مهیان وه دامهن ئید که واتش پیم سهنگی بی دوان زانام سفتهی شهوق نهو شهم روخسارهن منیش جه هیجران شای شهم روخساران تهن چوون سیاسهنگ ههدوارانههن

سهیدی (۱۲۹۵ – ۱۲۶۵)

ئەزو خەم

۱ ـ ئهز و خسه م پینسوه گرتسه نما برایسی ۲ ـ گهداو شا چوون یه کا پهی باسوو ئه شکی ۳ ـ نهزونینسی ئسه ولا جار دلا به کسی ده و ۴ ـ جسه دونینسه ، نمسووه ، قه ت من و تسه ۵ ـ تسهماو توم نه برپنسه و نمسه برووش ۶ ـ نه ته ئسه ژنیت پرووزه و ئونسو و سونه یم ۷ ـ دنیس خهیره پهری من خو نهمه نده ن ۸ ـ ئهر ئینسافت چهنیم بونه ، وه گهر نه ۸ ـ ئهر ئینسافت چهنیم بونه ، وه گهر نه ۹ ـ کله ش ساسی نه بو (سه یدی) رژو چهم

نه خدم چینمه نه من چاذیم جیایی (بهرو بهحرش) یوقی کیدرو لایی ته دلا بهردت ندات گیرو تهمایی «من اندر عشق و تو در بیوفایی» ههزار سالایو هسهزار پهنجینو دمایی نه لومهو خهلکی مین توم بینزایی راقیبی زیلسیاو! تا کهی جیایی که ساچوو نهز چهنی (خواهینهخواهی) وهسینشو خاك و یاو ته، پهی بینایی

هاره سهختهنی

هاره سهختهنی، هاره سسهختهنسسی چی بولندئیقبال، ساحینب بهختهنسسی تراشیده ی دهست، سهر ئوستادی باش یادگار ئۆسسای، قسسهدیم زهمانان چمان تاشیای تیشهی فسهرهاد بسی ئارو قیبله و من بسه لسه نجسه و لاره شیرینه نیشتهن دانیه مهدو ییش

 هــه باهــووش گهرمهن مهنالق جه دورد جهده جمشانا نه يدخده وامده هارہ چے وہشے سا چے هار مدبی يه نجـــهش ريدش نــهبق هـاره هـاوارهن دانه مهدر پیت چون ناوات واسته مه که ریش وه گهرد تووتیای شاران به مـــهودای ئه للماس بای یاره یار ئاواتت بريان نالسهى چيشتهن؟ جے ساریش نہبی زامانی خمتمر زهدهی هیبجسرانسم دهردم بسیی دهوان کهم دهور ده نه ویت چوون دیوانهی ویل دل چینت مهسانق به مهکر و داستان جــهفاش سهد بارهن وهفاش يـهك زهره يارى ساحيب شهرت وهفادار نييهن چوون بي بهينهتان جه ترش کيشا دهس بی قیمهت گنای کهساس بی سهنگت ینچیسای بسه دهرد دووری یارهوه

مەگىنلى بە دەو چون چەرخى چەيگەرد درو ليمزى وهشيزش تدرحي شدمامه کهس چوون تن ئازیز جه لای یار نهبی تای تورهی زولفان سیای عدنبهر بو دەخىلـەن دەستـت بە دەستـى يارەن شیرین به سهد ناز مهکیشو دهسته دانهش مهساني چوون ستهمكاران تاقهت شي جه لام واتم ئهي هاره! تۆ دەستى شيرين دەستە كيستەن تۆ يەنجەي شيرين كەفتەنت وە سەر با مسن بناللوو روان تا شهوان هارهی هدراسان هدردهی هدردهگیل ا ئانه شیرینهن دوللبهر دوللسستان به بهین و بهقاش هیچ مسهبه خهره چەنى كەس تا سەر ھەرگىز يار نىيەن کاتے مہزانی هزرئینزا به قسه شى به ماواى ويش تهشريف بهردهوه کۆتا بى سەدا و نەعرەتە و دەنـگت به دلّــهی پر ســـۆز مهینهت بارهوه

ئەوسا چەنى زام بى دەواي خسەتەر

يا شيّخ سەنعانم

مات مهبي بيدهنگ جه سهيدي بهتهر!

يا شيخ سهنعانم، يا شيخ سهنعانم بيّ باك جه تانهي، مهناو مهنعانم وامق یهی عوزار، زولف عهنسهرینم جه بههرام بهدتهر، من نمسهد پوشم مدجنوونى لەيلىم، بيسابان گيسلم زەدەي گول جەمسىن، وەنەوشە خالم من چوون سالكان، راى عدشقم دايم نهواچان یی دهرد، ههر من موبته لام ھەزار كەس وەي تەور، شيوەش ئى بازين تا مەجاز نەبىز، حەقنىق نەمەبۆ ئەر حەقىقىيسەن ئىسەر مسەجازىيسەن گشت جه من فيشتهر حالشان فهنان گرد جه هامدهردی من حاشا کهران ئەر عاشق نەبان يەكسەر مىەللار شىخ

عاشق یهی تهرسا، من چوون سهنعانم چوون پهعقووب داغدار، پدې ماي کهنعانم فهرهاد جه حهسرهت، خالسی شیرینم گول ئــهندام سهندهن، فام چهنــى هۆشم عالمه مسهزانان، پسهى لهيلئ ويلم ها جــه لاش، هوشـم، فيكرم خهيالـم يا شيخ لاقهدم، جه لومهى لايم ســهد كهس ها چوون من، به ئايهى كهلام نیم به حدقیقهت، نیم بسه مهجازین حــهقیــق بـــی مهجاز، تهحقیــــــق نمــهبق دلار مسن به تسهو به خسوا رازییسهن داخم همه ر ئيدهن هدر يدى من مدنان سا خەلقان بىديان تىدماشا كىدران فتوا بو سهیدی سهر بیران به تیخ

ئەحمەد بەگ كۆماسى (خالۆى كۆماسى) 1717 – 1796

گلکزی تازهی لهیل گلکزی تازهی لهیل نه پایسی مسهزار لهیله کسمی پر مهیل شیم به سهرینش به دلهی پر جوش واتم دلسسززی قەيسى لزنگ نــه كۆل كۆچىي بى وادەت كارى يىنى كىدردەن سهر هوردهر نه خاك سهولي خهرامان گــرهی نار عــهشق دووری بالـّـای تق وهختهن چون قهقنهس ببوم به زوخال من وینهی مهجنوون خاتر نه خهم کهیل خهمان، پهژاران، رەفىقى رامسەن سوپای خهم بهو تهور هوجووم ناوهردهن زامهتانی سے خت ئی دلیمی پر ئیےش شهو سهيلي زوخاو وه لايسي جنهدا وهختهن وينهي قهيس ليوهي لونگ نه كول سموگهند بمو خالان فهیروزهی وهش رهنگ بهو دانهی چل چهنگ تز تاتات مهکهرد تیسه پهشیویان چون بهرهزای ههرد بــــهو ديدهي مهخـموور ئاهووبيدي تق جمو ساوه گمردش چهرخس پر ستم تۆش بەردەن يەي خاك سياي تەنگى تار

ئارز شیم وه سدیر گلکزی تازهی لهیل نه دیدهم واران ئهسرینان چون سهیل سهنگی مهزارش گیدرتم نه ناغهنش موباره کت بن یانسسی بیسدی چنزل بێزارم جگه گيان، رازيم وه مسهردهن من مهجنوونی توم بهی تهور پیم ئامان كارئ يينم كسهردهن نسهونهمامسي نق شاد بز به گاردم زالان یا شهمال هدر لديل لديلمهن نه هدرد دى دووجديل چەنى جەفا و جەور دايم سەوامەن قافل می فامر به تاراج بسمردهن چون جای مارانگاز زوخاو مدیس لیش کافر بهزهییش مهیسی وه ینسمدا تـــهن بن وه خــزراك وهحشياني چــزل بمو دەستىي زولفان يەشيوپاي ياي سەنگ بهو قهوسی قهتران شهرئهنگیزی تو من و تۆ وەي تەور جيا كىدرد جىد ھەم من مام پے می عے مزاب جے مفای روزگار

چون ئاھــووى تــهنيا ســـهر ليــم شيــويان یه کجار وهسواسه ی تسهنیایی توسهن كيّـن هام رەفيّـقت ســـهبا و ئيّـواران؟ مودارات چـونهن لـــهيلــى ناز يـــهروهر؟ چ تـــمورهن خالان فــميروزهي وهش رهنگ؟ كيّن هام روفيئقى لهيل و نهمارت؟ کام سهنگی سیا ها نسه سسهرینت؟ ئەو دەستەي زولافان يەشىنوپاي ياي سەنگ بی رەونەق بىيەن چون نەقشى رووى سەنگ زینده گی جسه لام زههسری مار نسهبز؟ تهمام حهسرهتان به گل بهردهنی زينده مـــهگيلوون نه سهر رووي بيسات نه پای قسمبر لهیل بسی قمراریم کمرد يــــه گجار بالينسهم نــه گـهردوون ويهرد حـهکیمی دهرمان دهردی مـهجنوون دۆز وهی جامسهی سیا یه خسه پارهوه خاکی یانیسی نزت وه روخ مهمالوون مـــهر عههد و پهيمان جــه يادت شييهن مـــهعلوومهن مهيلم جه لات بييهن سهرد جه ئەلوەداى سەخت شين و زارى من

يانـــهم ويدرانــهن، دەردم ديدويان شموان زاری و شین، رووان رو روسمن حالّے تو چــزنهن شـای وهفاداران جهو سهرای تاریك، پر خوّف و خهتهر نه سمردی هموای سمردی سیاسهنگ چ تمور مسمویاری، چوونمن قسمرارت جه تهخوای باهزی قهیسی وهرینت داخم ئەو داخسەن لەيلسى خاتر تەنگ ئیسه نه گهردش چهرخی نیلی رهنگ سا یمی چیش سزمای دیدهم تار نمبز تن خەرىك قىمبر سىاى سىمردەنىي من تهنيا چون قهيس ليوهي خهم خهالات وه لحاسل همر چهند شین و زاریم کمرد نه جمواب دا پیم، نه زوره دونگ کمرد دیسان همم جه نز واتم ئهی دلسزز هام نه سهرينت زار زار مهنالوون یه پهی چیش مهیلم جه لات کهم بییهن تز هیے نیت وه قهید بی قهراری من

جهو بانهى تاريك سههمناكهوه واتش ئسدى معجنوون سيا ستاران وه بي وهعد كمرد، قهيس جه لميل جيا نازدارانی ویم جه یادم بهدهن فره سمنگ و خاك وه جهسهم بارهن رای جمواب نییمن چمنیت کمروون دهنگ هدرچهند سدر وه سهنگ سیا مددهری بشۆ زارى كىدر يىدرى بەختىي ويت جه تهنخوای وهفاش دایم هسهر جهفان یهك یهك وه زهنجین عدیباری بسهستسهن هیچ کمس جه دامش بمر نمشییمن وه بمر ئاخىر يەشىمان، رەنجىسەرۆ مىمبۆ ئاخر، سەرەنجام ئىسى جاگە جاتسەن مهحروومــــ ديدهم نه گــهرد يالات با نەشىز وە حەشر چون شى وە گلكۆ رەستاخىنىز كەرۆ تا مىدرگ سامان ***

دیم دەنگن ئاما جــه تزی خاكــــهوه ئاما نے گزشے چون ہےدردہ جاران سموگهند بمو خودای فمردی بی هممتا خاندی خاك بهو تهور مهحبووسم كهردهن رای جسمواب نییسهن.. دل بیقسمرارهن جه تهنسیری خاك هموای سمردی سمنگ بهلني هــهر چــهند شين، زاري مهكهري فائيدهش نييهن سيوود نهدارز ييت یدی چے جے؟ ئی دنیا خدیلی بے وہفان کەس جە قەيدى دام مەرگش نەرەستەن هدر جه رؤي ئدوهل، تا وه رؤي مدحشدر همر کس دلشاد بز بدی دنیای بن پز هدر چدند پدرئ من تز ئدلوهداتدن تا داد و بنداد هیدرانی بالات نـــهمانز وه دل عهرز كــــهرز وه تز «ئەحمەد» يەرى كۆچ شاى جەمىن جامان

نموونێوه جه شێعرهکاو شانامهی (روٚسهم و بهور بهیان)

به ئەركو مانيايى «د. بيرووز چەمەنئارا» فهدر بي ههمتا بي يار و ياوهر بيستوون كهيوان حهى لايهزال بي چوين و چراي منهزه جه عهيب سازندهي شاهان جهمع زيبا و زشت بدهری برشت نهزمم وه زووان نهوهي كهي قوباد پاتشاي سهروهر مەنووچىر نە روى تەخت زەرنگار مدران نه خزمهت پاتشاي سهروهر وهو كهمـــهند خام بى ئهنديشهوه وهو سام و ههيبهت شيران تهرزهوه خرووشان نه پای تهخت زهرنگار تهخت و بهختمان تهمام چی وه باد نامش مەنشوورەن وە بەور بەيان شهق مهدهي دهرياي بهحر عوماني مافيها كەردەن وە قرچەي قەقنەس زووانسهی ناگسر وه دهم مهکیسشن تهمام مهسووزوو به وينهي نهيسان واتش ناموهر جهنگی جسهوانان مهچوون وه نهبهرد روو وه روو كافر سهر وستهن به وار هیچ نامان وه دهنگ ئاما وه مهجلس شاه زهمانه واتش دەلىران ئەر ھەي پالمەوان يارەش مەكەرۇ وە مەوداى خەنجەر

ئەھوەل ئىستدا بىلە نام ئەكىسەر دادرهس ديوان پهنجا ههزار سال ساحب خەزانەي يشت يەردەي خەيب بهخشهندهي قوهت بالهوانان كشت ئميدم وه تــــقن پاتشای شاهان شەرحى جە كردار شاھان جەي وەر رووژی نه وادهی فهسل نهو وههار جهم پالهوانان نه پاي تهخت زهر وه گورز و ئەسىياب گران كىشەوە مدران وهو دهماخ خهیلی بهرزهوه ناگا تایف ایسی جه هندی دیار واتشان هانا نهوهي كهي قوباد بهور سياهي ليمان بي عهيان هەفتەي يەك دەفە بەور بەيانى جه سى فەرسەخى مەكىشۇ نەفەس شهرور نه دوهان دومش مهجوشق کوی و سهنگ و دار تهمامی پهکسان مەنووچىر رى كەرد وە پاللەوانان كيتان وه وينهي شيرانه دهستوور نهو دهمدا تهمام شيران زوور چهنگ رؤسهم نهو دهمدا جه مهکتهب خانه جه نوو مهنووچیر ئاما وه زووان کی مهچوو وه جهنگ بهور ناموهر

ئەسلەن يەكىشان نامان وە زوان نهو دەمدا رۆسىمم ھەورىزا وە يا واتش پاتشا وه عهون يهزدان سەر بەور بەد ماوەرووم پەرىت زال زەر ژنەفت ھوريزا جە قين سهد تازيانه ينكاش بهو تهعهب جهم پالهوانان نه رائ ریشخهن واتن وه رؤسهم جههان پالهوان ههوریزا وه پا رؤسهم دهلیر جه نوو مەنووچێر روو كەردەش وە زاڵ ئميدم وه تۆن ئەي كارە كەرى سيا بكيشه چوون جار جاران وه فهرمان شا دهردهم زال زهر بشنهو جه رۆسەم شير گەردەن بەرز تهمام ماجهراي جه يا تا وه سهر واتش من وه جهنگ زال زدرهانی كهردش قين و قار تون بى وه رؤسةم رۆسىمم وەي تەور دى جووشىيا وە جووش گوودهرز جه زهرب مشت جان پالهوان چوون که لهلهش بی جههان پالهوان ئاوردش وه هووش ئاما وه گوفتار حەقا مسەردەنسى ھەم پائسەوانى جهو دوما رؤسهم شير ناموهر ئەساسىەي نەبەرد پووشان وە بالا

سهر وهستهن به وار تمام دهلیران سوجده ی نهده ب کرد نهری پاتشا وه یومن نقبال نهوه ی که ی کهیان وه عهون یهزدان و وه نقبال ویت وه پی روسهم دا کهردهش قاو و قین واتش بی نهده ب بچوو وه مهکته ب قاقای خهنهان وه بی چوون و چهن مباره کت بی خهالات شاهان

ئاما وه بيروون وه خاتر زهوير

واتهش زال زهر ئهي ساحب گووپال علاج دهردم تو دهرمان كهرى راهى بوو وه جهنگ بهور بي ئيمان پهرى جهنگ بهور جهم كهردش لهشكهر پهرى جهنگ بهور جهم كهردش لهشكهر جهو دما لوا وه نهزد گوودهرز واتش وه گوودهرز بي خهوف و خهتهر ههم مهكهرووم فهتح بهور بهيانى ههم مهكهرووم فهتح بهور بهيانى پيكا نه بهدهن تهركه وهو ستهم زيلهي وه ستهم دا نه بهناگووش بي هووش بي و دهردهم نه خاک بي خهلتان

بی دورس بی و دارد دم - - بی - - بی - - سهر گووده رزش نیا نه روی ران گووده رز وات پهنش پالهوان کار مهکم ری تق فه تح به ور به یانی

دەر ساعەت چەنى گوودەرز سەروەر پەنا بەردشان وە زات ئەڭلا

لوا نه جلهو پهري جهنگ زال نيشتن نهو مهكان وه عهزم داوا...

* * *

مهولهوی (۱۲۲۱–۱۳۰۰)

تعزیم جهناب یری لازمسهن وردیکلاندن دهروازهی همستسی زانووى توميدت ناوەرز تىمو لىمرز جمو بوزرگتمرهن شمو نمو روت نارو كمانيت شمفيع تير ديات بو وهی دوو فمردهوه ئاو دهس جوانیت جــه روو سیاییم گرانتهر نییهن جههه نم سهد سال دوزهخ بو وه جيم پيسري ها تامسا وه پيسريسهوه چەنى بەستەي فەرد بيساران ماوا «فهسل سهرمهستی جوانیم بییهن» «وادهی پیریسهن جوانیم ویسهرد» «نزبهی تزبهمهن، کهرهم دار، تزبه!»

يينشانيم هموهس زانووش جازمهن بالاً كەردەوە مەيل ئەو لاي يەسىتى مهعدوومي! کردهي بهدي همزار تمرز ئه کهس مزانوو سهتتارهن تارق سفیدیت قه لغان یمی رووی سیات بز نمهبق پیسری و تسمن ناتهوانیت عهزام نهر سهد جه حهد بهرشییهن من كه خهجالهت خزمهت تاما پيم موترب، بن وه داد دلگسریسهوه نهوات ويرانهى دل كهمرز ناوا «ئینه گرد جه وهخت نادانیم بییهن» «ئیسه ها جه گشت پهشیمانیم بهرد» «كسرچ دواييمهن، ياوانم نربسه» دووریت ریشمی دل خدیمه کمن کمرده ن جیاییت نازام جه همم جیا کهرد وه مهرگت قمسهم رازیم وه مهرگم ممرده ن خاستمره ن یا خو دووری تو؟ دووریت همر ساتی سمد ممرگمن پمریم یمند دووریت وینو هیمان دل شاده ن خسووسمن نمو کمس شای وه فا داران پسهژارهت شادیسم جسه بیخ ناوردهن فیراقت فسهرقسم وه تووتیا کسهرد وهسواسهت وهی تهور ئیش دان وه جهرگم ویست بدهر ئینساف نسه نسمام نو ممردهن یهك ساتهن نهرواحه کهی ویم مهر جهستهی خهستهی من جه فوولادهن ده ك وهمهت نهو قهبر گشت وهفاداران

* * *

شوورای عاشووران دیسان بهزمش بهست نهو خهریک نه چوّل شار عهدهمدا نهو یهزید مهرگ وه نهسیسر بهدده بازارهن، وادهی مامهدالهدن، ساقیی روّ، حسمین ناسا فهردا که روّ بو

موحه روم ناما مهحره مشی نه دهست من نه که ربه لای سارای ماته مدا من زاده ی زیاد خهم یه قیر که رده هه ی بگره فانی، وهی بده ر باقی داخرم سه ر جه کو ، لاشه م جه کو بو

* * *

چون مانگ نه گزشهی ههور سیاوه (حور مقصورات فی الخیام) ئیدهن

گزشمی سیامال هوردا و دیاوه به خودا قدسهم پاسهم تومیدهن

-	***			
	••••			
ێ ياد ياران، ياران مــــوياران	_	ه تــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	یاران، دلّــداران ن	
	10			

مهستووره خانم (۲۲۰-۲۶۴ کال.م)

داد جه دهس تن سيينهر كهچ گهرد مهجلیس شادی کیت بهتال نهکهرد؟ خهزانهی سروور کی نهدای وه باد؟ وه یاندی کام کدس تن ندوستی ودی؟ کام مەردى وە جەور نەكەردى نالان؟ گولباغچەي عومرش نەكەردى تاراج؟ مايسى ئيقتيدار عومر و ئينقباللم نه یاگهی گشت کهس: بینگانه و خویشم ندخل جموانيش كمردى ريشمكمن بدردی وه غارات شادی و دهماخش ههزاري چون من بي ساحيب مهندهن بيّ بههره و بيّ عديش هدر نه عدزا باي وهختهن چون دهیری بشوون وه همردان هدر مدواچدوون: داد، هدر مدكدروون رو ئەسكەندەر شەوكەت، حاتەم عەتام رۆ فــهخـــر دوودمـــان ئـــــهرده ڵانم رۆ ئيســـه گيـر دام قــهبر دوونـم رو

سپێهر کهچ گهرد سپێهر کهچ گهرد مهسنددگای عدیش کیت وه تاراج نعبدد؟ دلهی کیت جه غهم تن نهکهرد ناشاد؟ نموندهال عومر کي نهکمردي پهي؟ جه نهخل وجوود نهورهس نههالان هدر كۆ جدوانى ساحب تەخت و تاج خوسووسهن خهسرهو شاى كهمهر لالم سرووری خاتر غهمگین و ریشم جه راگهی جهفا و حیله و مهکر و فهن نه سهرای تاریك كهردی دهستاخش بدیه جهفای تز گهردوون تا چهندهن؟ سا تزیچ ریندی من دهروون سیا بای فهلهك نه جمورت زار و سمرگمردان نمي زولم سهنگين نمي بينداد تق والى زى شموكمت يووسف لمقام رؤ هوزهبر بی باك روّی مسهیدانم روّ جهمشید سانی فهرهیدوونم رز

مایه شادی و شعوق کوردستانم رو (فـخر الولات)م موهـر شاهـــم روّ مایسی دلوهشی دنیا و دینم رو سانی تههمهتهن ساحیّب رهخشم رق فیدای بهزم عهیش مهی نوشانت بام د استاخیی همزار قمید و دامت بام قوربان رهنجش تسهن رهنسجوورت فیـــدای زالیلیی داست نازارت فیدای تاج و تهخت خهسرهوانیت بام فیدای مال چوّل (خدسرهوناوا)ت بام فیدای غوالامان سهرئهفگهنده ت بام خەسرەو ويم قوربان كەچى كارت بام شاهم، بهسهر گهرد عمقل و فامت بام فیدای بهزم و عهیش روز و شموت بام ئیسه خامزشی سهرای سهنگت بام ويلايمت خاپرور، خسمالوهت خاره عهمـــه لله و ئهتباع، دهربان، حاجيب دل مەلوول جە غەم، لەب بەستە خەندەن

شهمع شهبستان خمسرهوخانم رز زوبدهی والییان والاً جاهم رق جــهوان نـهورهس با نگینم رز شاھ لال كەمەر ھەم لال بەخشم رۆ لال بهخش، خوم فیدای لال بهختانت بام خەسرەو، ئامانەن فىداى نامت بام فیدای دوو دیدهی مهست و مهخموورت قوربان نالهی زار و زگارت خەسرەو خۆم فىداى نەوجەوانىت بام فیدای جموانیی کام نمیاوات بام فیدای کهنیزان بی ناز مهندهت بام سهرگهرد سوپای بی سهردارت بام فیدای جدوانیی ناتدمامت بام قوربان خەللوەت بى خەسرەوت بام فیدای تمپل و کوس روژ جمنگت بام خەسرەو ھۆردارە سەرى نەي خاوە سویای نیزامت مهندهن بی ساحیب به تاجت، تهمام بيّ ناغه مهندهن

يه چه ممرگي بيّ! بيّ واده کمردي؟ دل کهندی نمی دههر پر حیلمی فانی قەسەم بەو مەرگ بى وەخت و وادەت یمی نموجموانیت همر شینمن کارم منيسچ بي واده سهر بنيوم وه گل قوربان معجلیس کتاب خوانیت بام خهسرهو وه ناکام سهر وه سهرای قهور بدی سدرای تاریك دلوهشیت کدی بن؟ چوون قەرارتەن تۆ نەو قەور تەنگ؟ كي هدن بن موونس شدوان نالينت؟ نهو سهرای تاریك كئ مهبوت هامراز؟ خاموش و بی نوور شهمع و چراغت یمی عمیش دنیای تعمام نه کمرده ت وهر نه من بي تر يدي چيشم ئي گيان؟ سا تزیچ ویندی من سیاچاره بای به حمق عملی ببای سمرنگوون نه جای تهقریرهن، نه یاگهی تهحریر تا که روو بنیمی به سمرای عمدهم

فیدات بام داخان گشت وه خاك بمردی ئيمهت وست بيكهس ويت به جواني شاهم، سمرگهندم به بهزم و بادهت ئانىڭ دەقىيقە نىيسەن قسەرارم ئەر لەحزەي غوسسە بەر بشوم نە دل فيداى ئەو شەركەت خەسرەرانىت بام ئیمه بگیلین نهی دنیای پر جهور تز مدیلت دایم وه چدنگ و ندی بی جه دیده کوربام زوانم بو لهنگ جاى بالش قوو چيشهن بالينت؟ ئەساسەي خاوت كي مەكەرۆ ساز؟ ئیسه خایوورهن سارا و ئوتاغت کۆرېام يەرى عومى بە سەر نەرەردەت خەسرەوم، يە جەور دنياى بى وەفان فەللەك، واژگوون يارە يارە باي كارت هدر جدورهن چدرخ سفلدى دوون مهستووره، نه جهور دنیای پر تهزویر بنیشه ناشاد چهنی دورد و غهم

شنعر و زاروتا

داوود غهفاري(ئارو)

كتيب

دل وهشيهما كتيبهن كتينب كتيب كتيبهن ئــاوى مـدو گولاــما روزشن كـــهروو دليمـا لـــوه گـم بـه نــهزانـي گــول و پیسو زهمانـــی دل و دهرون بسه وانای نزیك تــهرا به خــوای وانای و ئازای و ژیرینیی وهتهن روّليّه فريني یهی وه لکهوتهی مسوانا دەردەو جەھلىي مىلزانا گهوره و حوان و وردی ئنمەزار ورلىخ كىر دى ييسه و نوقلي و نهباتي مديه يمي يدهى وه لاتى كتيب كهرمي خه لااتـش وانای دهرو نهجساتش

جگەرە

تاته له م جگه ره کی شون پوکه ی گلوه کی شون شهوی تا ساحیی قوزون وته وته ما په اوی نازون تاته عهیبا ته وهسشا ژیه ری جگه ره مه کیشا کارکه ره ده ش به نانه به ماشین و به یانه پوولا بون قه له م پسانمی په ی وه لاکه و ته یا وانه و به اوا دنیاما به وه فی اوا ته هه راله و ساوا جگه ره چه نی قلبانی قلبانی دژمه نازه و ساوا در مه نازه و ساوا

وهيولئي

ریکسهو پیکسسهو تهوینا چسهم تجو بسلوورا مووسنوم هسورم گیرونه حیدرو پهتوه جوانه کهیش ماچو کچسسله شیرینیم جارجار قینی کسهرونی کسهرونی کیسریو مدو تسور سهرهم پسهی بازاریم بسهرونی مساچو چهمله و تسهدالی پهیش کهرونی گروگسال

من وهیولای چهم کهوینا گجیه کهم زهرد و سهوورا دوسهم نهمیش هیرونه دوسهم نهرونیم پهمرونیم یانه کهیش الا ویشهنه مووسندونیم ده س و پلهم شهورونیی کهمورونیی کهمورونیی کهمورونیی به نهانده کهرونیی ده ساز ده سم گیرونیی وه ختو یانه کهرونی یه که سال

* * *

ئەدا

عوسمان محممهد همورامى

چهم و گیان و دلمهنی نهدام ههر ویش نهدانه

ئەدالى گىان گولىمەنى وينىت نىيىن دنيانى

تموهن تموهن ... ترپهو پایات تمرموو تهمی تاونزوه

بهنهن بهنهن ... گهرماو دیایت وهرموو وهروی راونزوه

ريواو ريواو ...

ريۆن ريۆن ...

زمسان مرزن

مەردەي درۆن

هانه هانه ...

نوور به نوور و

دەرە دەرە ...

يانه يانه ...

رۆچن رۆچن

بەرە بەرە ...

باخچه باخچه ...

مریچلی مریچلی

كناچلى كناچلى ...

تۆ ولەنى

ژەرەژ ژەرەژ ... ژيواى ژەنى

هامن هامن ... تۆ تاتەن*ى*

تۆ ھانەنى

هموار هموار ... همر توم همنی

هدر تۆم ھەنى

مەنسوور رەحمانى

« بيدهنگى ليپاوليپهن جه نهواچيايهكام »

پهى د لتهنگييه كاو من

وا...

گۆرانييوه چرۆ

ئاسمانى پەرھەسارە

ئاواتەكام چەم نمارۆ!

ههر کلوه وهرویوهش به ههرسیوه نهتکیای مانو

بيدهنگى ليپاوليپهن جه نهوچيايهكام

نهجوو ليايه كام

ئا قسنی که هینلای

نامايني وهروو لچام

هەر چى بيدەنگىچەنە حەقىقەتما شاريانۆ

حەقيقەتۆ شاريانۆ

شيعرهو مارگوت بيگێڵێ

هۆروهگیّلنای به فارسی: ئه همدی شاملوو

هۆروهگیّلنای به ههورامی: مهنسوور رِهممانی

فرهنگ لغات و اصطلاحات هورامی

فهرههنگو واچه و واچهزای ههورامی

بەڭگە، بۆنە، پەركە(-Balga	دلیل:
·	
:(Bona- Pawka	
بۆنەو ئانەيە ئامانى(بدين دليل	
آمدم/ پهوکهی پاسمه کهرد(بدین دلیل	
این کار را کردم) در هردو مورد	
«بۆنه» و «پهوكه» حرف اضافهى	
مرکب هستند. این دو لغت در	
گذشتهی زبان هورامی فقط بدین	
صورت کاربرد داشتهاند.	
در اینجا «ب ۆن ه» و « پهوکه » به صورت	
اسم به کار رفته است و از حالت	
حرف اضافه خارج شده است.	
پهوکهو من پهي ئي کاريه ئاندنه که	
دلیل من برای این کار آن است	
که	
ويرپينك ،وەرپينك ،پينكه ،	هدف:
مەرام(-Wîrpêk	
Warpak-Pêka-	
:(Maräm	
هدف در اصل به معنی «جای	
برخورد تير» است. هر سه لغت فوق	
نیز ترجمهی دقیق واژهی هدف	
هستند، با این تفاوت که «ویرپیک»	
مربوط به «هدف ذهنی» و «وهرپینك»	
به معنی «هدف عینی» و «پینکه»	
شامل هردو مورد می شود. تساهلاً	

می توان هر سه اصطلاح را به جای		
واژهی هدف به کار برد.		
گۆشە(Goşa)	زاویه:	
كۆلەكەيى،	 عمودی:	
Koĺakayî-)کۆلەكى		
Kolakî): «كۆلەكە» در ھورامى		
به معنی «ستون» است. واژهی		
«کۆ لەکى » نيز به جهت سهولت در		
تلفظ پیشنهاد می شود.		
دىمەك: در (dîmakî): دىمەك: در	افقى:	
اصل تنهی تراشیدهی درخت است		
که به شکل افقی در دل دیوار قرار		
می گیر د.		
ئەرىنى(Aranî):	مثبت:	
نەرىنى(Narênî):	منفى:	
بەرھەم، ئەنجام(-Ancäm	نتيجه:	
:(Barham		
ئێۋە(Êja):	ارزش:	
«ئێژ»: بن مضارع فعلهايي		
همچون «میروز، ئیران و» است		
به معنی ارز و «ه» پسوند نسبت		
است.		
ئێۋا(Êjä):	محترم:	
دارای ارزش ارزشمند محترم	(-	
كەشوھەوا (Kaşûhawä):	فضا:	
ئە گەر (Agar)	احتمال:	
کاروبار (Kärûbär)	امور:	

بليمەت(Bəlîmat)	نخبه:	
لەشساقى(Laşsäqî)	بهداشت:	
لەش <i>ى</i> (Laşî)	جسمى:	
پهرس(Pars)	پرسش:	
گرفت(Gərəft)	مسئله:	
کارا(Kärä)	فاعل:	
وور کار (Warkär)	مفعول:	
رسته(Řəsta):	جمله:	
پهژمه که ش رسته ن: پشم را		
ریسده است: «ر سته »: به هم		
بافته شده، به هم ریسیده،		
مجموعه چند کلمه در کنار		
هم.		
یاگهنام(Yäganäm)	ضمير:	
ههرمان(Harmän)	فعل:	
بارسایی(Bärsäyî)	حجم:	
الكێشه(Läkêşa):	مستطيل:	
نوعی قالی مستطیلی و نیز کش آمدن یک ضلع مربع		
كش آمدن يك ضلع مربع		
چوارلا	مربع:	
په کسان(Çwärläyaksän)		
(Lä) ^y	ضلع:	
دهیی(Dayî)	اعشار:	
گۆشە(Goṣa)	زاویه:	
دماڕۆ(Dəmäřo)	آينده:	
چر(Çəř)	متراكم:	

سازیای(Säzyäy)	توافق:	
راوير (Řäwîr)	منطق، منطقى:	
ژیرانه(Jîräna):		
را: راه، ویر: اندیشه. راه		
اندیشیدن: منطق		
تازه گهری(Täzagarî)	مدرن:	
ئارەز (Äro):	عقل:	
مهئاوهزيو: (مىفهمد) ئاوهزيان:		
عاقل شدهاست.		
ويرۆكه (Wîroka)	نظريه:	
خولگه (Xulga)	مرحله:	
ياوين(Yäwîn):	مفهوم:	
ياوانينه: فهميدم.		
یاوای: رسیدن، مجازاً فهم		
كردن، ياو: بن مضارع +		
ين(پسوند نسبت)		
ەلێگر(Dəlêgər)	محتوا:	
کونجکوّل(Kunckol)	كنجكاو:	
رکه(Řəka)	اصرار:	
وهرچهم(Warçam):	مهم:	
(آن چه به چشم		
می آید.)«وهر چه م» در معنی		
کنایی به معنی «مهم»است.		
وهرچهمی(Warçamî)	اهميّت:	
وانيار (Wänyär)	دانشجو:	
مسیار (Məsyär):	دانش آموز:	

ضربالمثل قديمي هورامي:	
«ئەژنەويەنشو نەمسانش»:	
شنیدهاست و یاد نگرفتهاست.	
مسیای: (مصدر): یادگرفتن	
چەمدارى(Çamdärî)	مراقبت:
سەرچەمە(Sarçama)	منبع:
شیکاری(şîkärî)	تحليل:
وردوینی(Wərdwînî)	دقّت:
دەرەتان(Daratän)	عرصه:
پەرەداى(Paradäy)	گسترش:
بهدەرەتان(Badaratän)	گسترده:
هۆرگۆز(Horgoz):	استنباط:
در اصل به معنی برکشیدن آب	
است از چاه یا	
ئەوەكۆڭەر (Awakolar)	محقق:
ئەوەكۆلپاي(Awakolyäy)	تحقيق:
نرخنای(Nərxnäy)	سنجش:
هۆركەرتە(Horkawta)	استثناء:
رەگەزىن(Řagazîn)	اصيل:
راسهوراس(Řäsawřäs)	مستقيم:
وەرپەرچ(Warparç)	واكنش:
ئاژە(Äja)	وضعيت:
دليّدەق دەق (Dəlêdaq)	متن:
یهههرداری(Yahardärî)	شجاعت:

واچه (Wäça)	واژه:	
باسوات(Bäswät):	گفتمان:	
Dəscursa در زبان فرانسه		
به معنی «بحث» است و		
اصطلاحاً اتمسفرى فكرى است		
که مردم یا بخشی از اجتماع را		
وادار به بحث و تفکر در آن		
اتمسفر می کند.		
«باس»: هورامیزه شدهی		
«بحث» است و «وا ت» به معنی		
«گفت»: موضوعی که در مورد		
آن بحث و گفتگو ایجاد شود.		
گراله(Gräĺa)	شكل:	
دلێنگه، (Dəlênga,)	مرکز(مرکز اداری):	
وهرپهرسی(Warparsî)	مسئو ليّت:	
(Gêçaĺ)گێڿﻪڻ	بحران:	
واړای(Wäřäy)	تحول:	
هۆنيار (Honyär)	شاعر:	
مۆنيا(Honyä)	شعر:	
چەقبىنيا(Çaqbînyä)	متمركز:	
ئەرەمەرزيا(Aramarzyä)	مو سسه:	
کارگێڵی(Kärgêĺî)	اداره:	
ديارمهندی(Dîyärmandî)	مشخصات:	
تەنەداى(Tanadäy):	تعميم:	
تهنهی: بافتن (تار عنکبوت) و		
گسترش آن		

پهرهدای(Paradäy)	توسعه:	
پەنەواز (Panawäz)	ضرورت:	
گلێرگه(Gəlêrga)	محل اجتماع:	
یۆگیرتهی(Yogêrtay)	اتحاد:	
یه کانگیری (Yakängîrî)	انسجام:	
ڕٳۅێؿ(Řäwêj)	مشورت:	
وینگا(Wîngä)	دیدگاه:	
ڕٳۅۑڹ(Řäwîn)	راهنما:	
ئەرەرەندى(Awawanay)	مطالعه:	
پەيوەندىدار (مربوط:	
(Paywandîdär		
پیمانه(Pîmäna)	معيار:	
جمنه (Cəmnar)	محرك:	
هاندهر (Händar)	انگیزه:	
هاندای(Händäy)	تحريك:	
نەتەرە(Natawa)	ملّت:	
سەپناى(Sapnäy)	تحميل:	
لادای(Lädäy)	انحراف:	
ساچای(Säçäy)	تسامح:	
ئاسانگىرى(Äsängîrî)	تساهل:	
ئەرەمدراى(Aramədräy)	ایستادگی:	
گرد گیر (Gərdgîr)	عمومى:	
قۆرخ(Qorəx)	انحصار:	
قۆرخگەرى(Qorəxgarî)	انحصار گرایی:	
بۆنە(Bona)	مناسبت:	

د لیّنه شیهی،	نابود:	
Dəlênaşîyay,)سامانسا		
(Sämänsä		
ئەوەشۆردەى(Awasorday)	هجو:	
ئەرەگىنلناى(Awagêĺnäy)	روایت:	
ئەرەگىنلىدر (AwagêÍnar)	راوى:	
لێڵی(Lêĺî)	ابهام:	
رارەبەر (Řäwabar)	مدير:	
راوهبهردهی(مديريت:	
(Řäwabararday		
راوز (Řäwəz)	مجرى:	
رارستهی(Řäwəstey)	اجرا:	
قسەرباس(Qəsawbäs)	گفتوگو:	
کەسپەتى(Kasyatî)	شخصيّت:	
ژیواینامه (Jîwäynäma)	زندگینامه:	
ريْئاگا(Wêägä)	خوداگاه:	
ناریّناگا(Näwêägä)	ناخو داگاه:	
واسته (Wästa)	استعاره:	
يۆشيەى(Yoşîyay)	تشبيه:	
ململانیّ(Məlməlänê)	کشمکش:	
واچەر (Wäçar)	گوينده:	
وهرئاما(Warämä)	شرق:	
وەرئاوا(Waräwä)	غرب:	
سەرلا(Sarlä):	شمال:	
معمولاً شمال در نظر مردم طرف بالا را به ذهن متبادر		
طرف بالا را به ذهن متبادر		

مىسازد و «سەرلا» نيز دقيقاً به		
همین معنی است.		
وارلا(Wärlä):	جنوب:	
معمولاً شمال در نظر مردم		
طرف بالا را به ذهن متبادر		
مىسازد و «سەرلا» نيز دقيقاً به		
همین معنی است.		
زایه له (Zäyaĺa)	انعكاس:	
زایه له (Zäyaĺa)	پژواك:	
خێزيای(Xêzyäy)	جنبش:	
تنوتيّژي(Tənûtêjî)	خشونت:	
پاشوست(Päşwəst)	ذخيره:	
پەشتگىرى(Paṣtgîrî)	حمايت:	
نانەر (Nəmänar)	نماینده:	
هۆرچنیهی(Horçnyay)	انتخابات:	
ڕازان(Řäzän):	صاحب نظر:	
کسی که دانای راه و روش		
است.		

ویرمهند (Wîrmand)	متفكر:
رووبهر(Řûbar)	مساحت:
گریمانه (Gərîmäna)	فرضيه:
راوردسم(Řäwřasm)	آدابورسوم:
ژیو گه (Jîwga)	محیط زیست:
ڕۅۅڮۿۺؠ(Řûkaşî)	سطحى:
کیاسته (Kyästa)	صادرات:

بەيننەتەرەيى(Baynnatawayî)	بين المللي:	
هۆرزونىشت(Horzûnîşt)	معاشرت:	
ليّكو،داي(Lêkwadäy)	بررسى:	
سەردەم(Sardam)	دوره:	
جموجوول(Cəmûcûl)	فعاليّت:	
ئەرەواراى(Awawäřäy)	تغيير:	
ئەرەگەشناى(Awagaşnäy)	رنسانس:	
خەسارشناساى(Xasärşənäsäy)	آسیبشناسی:	
ئەشناسە(Aşnäsa)	تعریف:	
ئاردەينە(Ärdayna)	ابداع:	
نهجم(Nacəm)	ثابت:	
ئەنامە(Anäma):	ساختار:	
«ساختار» مجموعهای از اعضای یک مجموعه		
است که همگی در یک راستا با هم پیوند		
دارند. «ئدنامه» مخفف کلمهی		
«ئهندامه»(ئهندام +_ه) است به معنی		
مجموعهی اعضای بدن، ماشین و		
پشێوه، ئاۋاره(Pəşêwa, Äjäwa)	هرجومرج:	
وەردەنگ(Wardang)	هرج ومرج: مخاطب:	
جاړنامه(Cäřnäma)	اعلاميه:	
پوخته(Puxta)	چکیده:	
بۆنەكار (Bonakär)	عامل:	
چلەكنەر(Çəĺaknar)	تكاندهنده:	
لاوازنای(Läwäznäy)	تضعیف:	
مەشق(Maşq)	تمرين:	

پهرمیای، متمانه، پهشتبینای(Parmyäy,	اعتماد:
(Mətmäna, Paştbînäy	
پیسنهبی، ساپیسهنه (Pêsnabî,	بنابراين:
:(Säpêsna	
این واژه معادل بنابراین است نه ترجمهی آن.	
«پیسنهبی» به معنی «وقتی این گونه است».	
ياگەما(Yägamä):	جایگاه:
«ما» مخفف و هورامیزه شدهی «مأوا»ی عربی	
است و «گاه» نیز در فارسی پسوند مکان است.	
بەرھەمئاردەي(Barhamärday)	توليد:
چێۺیهتی(Çêşyatî)	ماهیّت:
دەسكرد (Daskərd)	مصنوعى:
بەلگەئاردەي(Balgaärday):	استدلال:
(رك: پهوكه)	
شكۆمەند(şəkomand)	مقدّس:
قەواللە (Qawäĺa)	قرارداد:
گرێدريا(Gərêdəryä)	وابسته:
ييّده ره تاني (Bêdaratänî)	محدوديّت:
تفاق(Təfäq):	كالا:
معنی دقیق «تفاق» در زبان هورامی «آذوقه»	
است و در اینجا توسعهی معنایی یافته و هر	
کالایی را در بر می گیرد.	
هامکێش(Hämkêş)	متوازن:
تىنپىم(Tînpîm)	دماسنج:
ئەرەكىنشاى(Arakêşäy)	جاذبه:
ر _ۆ رمار (Rojəmär)	تقويم:

ويەردە(Wîyarda)	تاريخ:	
چڵەپۆپە(Çəĺapopa)	اوج:	
فيركارانه (Fêrkäräna)	تعليمى:	
جوانواچی(Cwänwäçî)	فصاحت:	
پاٽواني(Päĺwänî)	حماسه:	
چەشن، جۆر(Çaşn, Cor)	نوع:	
رووشت (Řwəşt)	اخلاق:	
نازنام(Näznäm)	تخلّص:	
ويّوازي(Wêwäzî)	استبداد:	
سامان(Sämän)	سرمايه:	
داگیرکهر(Dägîrkar)	متجاوز:	
جەمارەر (Camäwar)	جمعیت:	
هۆرئاوردەي(Horäwərday)	تبعيض:	
دوهسهره (Dwasara)	متقابل:	
يانەنشىن(Yänanəşîn)	بازنشسته:	
قەراخ(Qaräx)	حو مه:	
قەراخ(Qaräx)	ساحل:	
گەنكاو(Gankäw)	مرداب:	
ئاوەرۆ (Äwaro)	کانال:	
وشكەڭا(Wəşkalä)	قارّه:	
گ _ر کان(Gəřkän)	آتشفشان:	
ېگه (Məcga)	مصب:	
وهرئامای لیّراسین(Warämäylêřäsîn)	خاورميانه:	
کرکاوکرك(Kərkäwkərk):	هموار:	
واژهی اصیل هورامی است به معنی تخت،		

مسطح و هموار.		
(Jîwga)یا <u>ل</u>	خطالرأس:	
پیمانه (Pîmäna)	مقياس:	
چەميا(Çamyä)	منحنى:	
(Lûlak)	استوانه:	
چىربەش(Çîrbaş)	مخرج:	
که موه که ردهی (Kamwakarday)	منها:	
كۆ(Ko):	جمع:	
چى «كۆ»تا بەستن؟ چرا جمع شدەايد؟		
بەشكەردەى(Başkarday)	تقسيم:	
يۆداى(Yodäy)	ضرب:	
پله(Pəla)	درجه:	
ئەرەمتدى، گرتە(Aramətay, Gərta)	اشتقاق(مشتق):	
(Läyan, Qawära) لايهن، قهواره	بُعد:	
دووری(Dûrî)	فاصله:	
هێڵەيى(Hêĺayî)	بیضی:	
یه کسان، وهرانوهر (Yaksän, Waränwar)	مساوى:	
هامکیشه(Hämkêşa)	معادله:	
يەرە گۆشە (Yaragoşa)	مثلث:	
لانی فره، ئەرپەر(Länîfəra, Awpař)	حداكثر:	
(Länîkam)	حداقل:	
لاقەناس(Läqanäs)	ذوزنقه:	
ئەوەيۆداى(Awayodäy)	ضرب:	
هامولاتی(Hämwəlati)	شهروند:	
هامپه یمانی(Hämpaymänî)	ائتلاف:	

زۆرەملىّ(Zoraməlê)	اجبار:	
داگیرکهر (Dägîrkar)	استعمار:	
رێککهوتهی(Řêkkawtay)	اجماع:	
قایمه کاری(Qäymakärî)	محافظه كارى:	
دەسلێنەبەردەي(Daslênabarday)	دخالت:	
کەينوبەين، پيلانى(Kaynûbayn)	توطئه:	
فەرحانى(Farḥänî)	رفاه:	
وه نگیر (Walgîr)	پیشوند:	
دماگیر(Dəmägîr)	پسوند:	
دلێگیر(Dəlêgîr)	ميانوند:	
رانووس(Řänûs)	املا:	
ئەوەمەنەي(Awamanay)	اقامت:	
بوختیان(Boxtîyän)	اتهام:	
گیرۆدەیی(Gîrodayî)	اعتياد:	
(Gîroda)گيرۆدە	معتاد:	
سەرنج(Sarənc)	تو جه:	
قەرزە(Qawza)	جلبك:	
دەمار (Damär)	عصب:	
ویرگرسیایی، دهمارگرژی(Damärgərjî)	تعصب:	
(Wîrgərsyäyî		
یانیله(Yänîla)	سلول:	
ژهم(Jam)	دوز (میزان دارو):	
ميّماندار، ميّمانوان(-Mêmändär	ميزبان:	
(Mêmänwän		
گواندار (Gwändär)	پستاندار:	
بەلخ(Balx)	رسوب:	

خەرمانە(Xarmäna)	هاله:	
گەردوون(Gardûn)	کیهان:	
ئاوين(äwîn)	مايع:	
دەمواچ(Damwäç)	تلفظ:	
(Lärahêĺ)لارەھێڵ	خط مميّز:	
خاله (Xäĺa)	نقطه:	
گونجیایی(Guncyäyî)	ظرفیّت:	
سامان(Sämän)	ثروت:	
شيويايى(şîwyäyî)	اختلال:	
ئەرە گير (Awagêr):	شامل:	
ئى ياسا ئيمهيچ گيرونهوهر. ئى ياسا ئهوه گيرو		
ئيمهيچ مهوني.		
ویریای(Wîryäy)	تأمّل:	
يۆگىر(Yogîr)	متفّق:	
گۆل(Gol)	درياچە:	
تێروتەسەل(Têrûtasal)	مفصّل:	
گەمەوان(Gamawän)	بازیگر:	
ههوالكياني(Hawälwäç)	خبرگزارى:	
برپار(Bəŕyär):	تصميم:	
بریاینینه؟ تصمیم خود را گرفتهای؟		
كەلك (Kalk): بى كەلك: بى فايدە، كلكگير:	منفعت:	
کسی که برای مردم سودمند است.)		
ههرمانکهرد (Harmänkard)	عملكرد:	
وشكناي(Wəşknäy)	تفتیش:	
یو گیرتهی، پهیوهندی(Yogêrtay)	همبستگی:	

خەرجى(Xarcî)	هزینه:	
يۆنەگێرتەي(Yonagêrtay)	تناقض:	
یه که (Yaka): (یه کجاری، یه کلاییش کهرهوه)	واحد:	
تاقیگا(Täqîgä)	آزمایشگاه:	
تاقیکهردهی(Täqîkarday)	امتحان:	
نخوون (Nəxûn)	واژگون:	
ليلق(Lîləq)	ژلاتینی	
وډس(Was)	كافى:	
یارمه تیده ر (Yärmatîdar)	معاون:	
یا گه دار (Yägadär)	جانشين:	
کۆگا(Kogä)	انبار:	
بيبينه (Bîbîna):	كمربندى:	
تۆنكۆڵ <i>ي</i> (Tonkoĺî)	حجارى:	
چۆتاشى(Çotäşî)	نجّارى:	
رینگا(Wîngä)	نقطه نظر:	
کەوتەي(Kawtay)	سقوط:	
دیارده(Dyärda)	پدیده:	
زانگا(Zänga)	دانشگاه:	
ژیری(Jîrî)	حكمت:	
خولەك(Xulak)	دقیقه:	
چرکه(Çərka)	ثانیه:	
نامونیشان(Nämûnîşän)	آدرس:	
نم (Nəm)	رطوبت:	
غدار (Nəmdär)	مرطوب:	
پەخشانگا، وڵارگە(Paxşängä, Wĺäwga)	انتشارات:	

وڵاو كەر (Wĺäwkar)	ناشر:	
به گائاردەی(Bagäärday)	انجام دادن	
پیمای(Pîmäy)	اندازه گیری:	
هۆرشيويای(Horşîwyäy)	انحلال:	
گرسیای(Gərsyäy)	انعقاد:	
کرژیای، کرژوهبییهی (Kərjyäy)	انقباض:	
و کاوره بییدی (Wĺäwwabîyay)	انبساط:	
ویهریای(Wyaryäy)	انقضا:	
زێـــــــُـــام(Zêĺäm):	الهام:	
زیّل: دل، زیّلنام: از دل برآمده.		
فرینه(Fərîna)	اكثريّت:	
کهمینه (Kamîna)	اقلیّت:	
پەنەوازى(Jîwga)	اقتضا:	
دەسەڭاتوازى(Dasaĺätwäzî)	اقتدارگرایی:	
کزبیهی، کزی(Kəzbyay- Kəzî)	افسردگی:	
دەسپەنە كەردەي(Daspanakarday)	افتتاح:	
وێرەپەرمای(Wêraparmäy)	اعتماد به نفس:	
مانگیرتدی (Mängêrtay)	اعتصاب:	
ئاگاداری(Ägädärî)	اطلاعيه:	
دلهخورپيّ(Dəlaxurpê)	اضطراب:	
بهراوهرد، وهرانوهرنیای(-Baräward	تطبيق:	
(Waränwarnyäy		
دەمواچكەردەي(Damwäçkarday)	اداكردن:	
دریژهدای(Dərêjäyî)	ادامهدادن:	
دریژه (Dərêja)	تداوم:	

لەرياي(Laryäy)	ارتعاش:
بەرئاردەي(Barärday)	استخراج:
ئەرەمەرزناى(Aramarznäy)	استخدام:
چەنەئاماى(Çanaämäy)	استعداد:
لاگیرتهی(Lägêrtay)	استعفا:
داگیرکاری(Dägîrkärî)	استعمار:
سەقامگىرى(Saqämgîrî)	استقرار:
پەشتبىناى(Paştbînäy)	استناد:
قايم(Qäyəm)	استوار:
زیادەرۆیى(Zyädaŕoyî)	اسراف:
وهرانوهری (Waränwarî)	مطابقت
دەسەراچە (Dasawäça)	اصطلاح:
(Zayça- Bäwbäpîr)زویچه، باوباپیر	اجداد:
بنهروات(Bənaŕat)	بنیاد:
بنه ره تواز (Bənaŕatwäz)	اصول گرا:
کهمانه (Kamäna)	پرانتز:
ليزگى(Lîzgî)	پر تو:
پەرچىنداى (Kamäna)	محاصره:
لیزگدهرمانی(Lîzgîdarmänî)	راديو تراپى:
پهرووردوی (Parwarday)	پرورش:
ئەرەكۆڭياى (Awakolyäy)	پژوهش:
یانهو ئهوه کوٽیای (YänawawakoÍyäy)	پژوهشگاه:
پینوار (Pêwär) واژهی هورامی است به معنی	غيب:
ناپیدا و ناآشکار.	
پینوار (Pêwär) واژهی هورامی است به	راز:

معنی ناپیدا و ناآشکار.	
شۆنكەرتە (şonkawta)	پیرو:
وه لېه رده ی (Walbarday)	پیشبرد:
وەڭكەرتەي (Walkawtay)	پیشر فت:
کۆنەکار (Konakär)	پیش کسوت:
وه لواته (Walwäta)	پیشگفتار:
وهرگیری (Wargîrî)	پیشگیری:
شۆنگىرى (şongîrî)	پیگیری:
پەيكەرتاشى (Paykartäşî)	مجسمه سازى:
هامپیّچ (Hämpêç)	پيوست:
هامپینچ (Hämpêç)	ضميمه:
ياگەشۆن (Yägaşon)	تابعيّت:
کاریگهری (Kärîgarî)	تأثير:
ئەرەنيايرە (Aranîyäyra)	خلّاقیّتس:
داین: (Däbîn)	تأمين:
واژهای مقروض از کردی س ورانی است.	
هه لمیای (Haĺmyäy)	تبخير:
دمائامه (Dəmääma)	تبعات:
دووروهوستهی (Dûrwawəstay)	تبعيد:
بانگهواز (Bängawäz)	تبليغ:
سەقامگىرى (Saqämgîr)	تثبيت:
پۆرەئامای (Poraämäy)	تجديدنظر:
شیکاری (şîkärî)	تجزیه:
غانای (Nəmänäy)	تجويز:
کۆبینای (Kobînäy)	تجمع:

زرقوبرق (Zərqûbərq)	تجمّل:
هۆرخړنای (Horxəŕnäy)	تحريك:
قورخ (Qorəx)	تحريم:
خوراینه (Xuŕäyna)	تحكّم:
ئەرەماردەى (Aramäŕday)	تخفيف:
کۆ کەردەی (Kokarday)	تدوين:
تلاکاری (Təĺäkärî)	تذهيب:
دەڭناي (Daĺnäy)	ترشّح:
هاندای (Händäy)	ترغيب:
تێػەڵ (Têkaĺ)	تر کیب:
پهرودای (Paradäy)	ترويج:
وهندنه گیرتهی (Wananagêrtay)	تسامح:
معنی دقیق این واژه «ایراد نگرفتن» است و	
تسامح نیز به معنی انعطاف پذیری، عدم	
جزمیّت و سختنگرفتن است.	
ئاسانگىرى (Äsängîrî)	تساهل:
نەخشىنى (Naxşînê)	تزيينات:
نەخشناى (Naxşnäy)	تزيين:
سەرسلامەتى (Sarsəlämatî)	تسليت:
سەردەسى، زالبيەي (Sardasî, Zäĺbîyay)	تسلّط:
چۆكداى (Çokdäy)	تسليم:
شیوه کهردهی (şîwakarday)	تشريح:
وریشیای (Wərîşyäy)	تشعشع:
رِیْکوستهی (Ŕêkwəstay)	تشكيل:
رِاسوه کهردهی، هه ٽچنيهی (Ŕäswakarday	تصحيح:

(Haĺaçənyay	
پاٽفتەي (Päĺəftay)	تصفیه:
پەسەنكەردەى (Pasankarday)	تصويب:
ناكۆكى (Näkokî)	تضاد:
بهراورد (Baräwəd)	تطبيق:
هامیاردی (Hämyärdî)	تعاوني:
هامسهنگی (Hämsangî)	تعديل:
بهچددان (Baçadän)	رَحَم:
هورسپاریا (Horsəpäryä)	تعليق:
ملگێرتەي(Məlgêrtay)	تعهّد:
Säçyäy,) ئەرەيۆياواى ئەرەي	تفاهم:
(Awayoyäwäy	
ساچنامه (Säçnäma)	تفاهمنامه:
شیکاری (şîkärî)	تفسير:
پەنەسپاراى (Panasəpäräy)	تفويض:
تكانامه (Təkänäma)	تقاضانامه:
تکاکار (Təkäkär)	متقاضى:
دەسوەشى (Daswaşî)	تقدير:
دەسوەشىنامە، سپاسنامە (Daswaşînäma,)	تقديرنامه:
(Səpäsnäma	
لەتكارى (Latkärî)	تقطیع: تقویت:
Häzdäy,) پتهوکهردهی و Häzdäy,	تقويت:
(Pətawkarday	
رِوْژمار (Rojəmär)	تقويم:
پاٽپەشت (Päĺpaşt)	تقويم: تكيه گاه:
نۆرەيى (Norayî)	متناوب:

گێرەوكێشە (Gêrawkêşa)	تنش:	
زاوزۆ (Zäwzo)	توليدمثل:	
گردگیر (Gərdgîr)	جامع:	
یاگددار، یاگدگیر (Yägadär, Yägagîr)	جانشين:	
ههمیشهیی (Hamîşayî)	جاودان:	
پلەواز (Pəlawäz)	جاهطلب:	
(Gêĺa) گێڵه	جريان:	
رِيْزِه، لهت (Ŕêza, Lat)	جزء:	
ویرگرسیا (Wîrgərsyä)	جزماندیش:	
وشكناي (Wəşknäy)	جستجو:	
ئەرەنشتەي (Arnəştay)	جلسه:	
رۆلا، لاگە (Rolä, Läga)	جهت:	
گێرەركێشە (Gêrawkêşa)	چالش:	
ديمړازندر (Dîmŕäznar)	چهرهپرداز(گريمور)	
روادا (Áwadä)	حادثه:	
چڵێسی (Çəĺêsî)	حرص:	
هۆركۆڵاى (Horkoĺäy)	حرص: حکاکی:	
خێڕ، خەت (Xêŕ, Xat)	خط:	
چەفتى، چەپەوانە (Çaftî, Çapawäna)	خلاف:	
تاسیای، قەرقەپ (Täsyäy, Qarqap)	خفقان:	
کهناو (Kanäw)	خليج:	
ویّدوّرِنای (Wêdoŕnäy)	خلیج: خودباختگی: خودانگیختگی:	
ويِّهانداي (Wêhändäy)	خودانگيختگي:	

لەرەرۆ (Saraŕo)	خودرأى:	
ل _{ازر} (Məlzəŕ)	خودسر:	
بْرِاگىرى (Wêŕägîrî)	خوددارى:	
لەرەرۆيى (Saraŕoyî)	خود کامگی:	
لەرەرۆيى (Saraŕoyî)	ديكتاتورى:	
بیژیوی (Wêbəjîwî)	خودكفايي:	
براوهبهردهی (Wêŕäwabarday)	خودمختارى:	
بگێڵ: (Wêgêĺ)	خودكار:	
ن دستگاه به طور خودکار کار میکند.	.1	
كاتنامه (şəkätnäma)	دادخواست:	
اوایگا، دەرمانخانه Dawäygä,)	داروخانه:	
(Darmänxän	A	
وه کو لهر (Awakolar)	دانش پژوه:	
وێواز (Wêwäz)	داوطلب:	
Nəwîsgä,) نویسگا، نقیسگه	دبير خانه:	
(Nəvîsga		
دەسكەوت (Daskawt)	دستاورد:	
ئەنامە، دەزگا (Anäma)	دستگاه:	
راههرمان (Ŕäharmän)	دستورالعمل:	
(Dəĺgaşwakar) دنگهشوه کهر	دلانگيز:	
گەرماپىم (Garmäpîm)	گرماسنج:	
دووپل (Dûpəĺ)	چاپلووس:	
چەشە (Çaşa)	ذايقه:	
چەشە، مرخ (Çaşa, Mərx)	ذوق:	
کهرده (Karda)	رفتار:	
نامزریایی (Nämzəŕyäyî)	رسوايي:	

چیرخان (Çîrxän)	زيربنا:	
سەرخان (Sarxän)	روبنا:	
گەشە (Gaşa)	رونق:	
زاگه (Zäga)	محل تولّد:	
سەروساخت (Sarûsät)	زدوبند:	
هۆرتاونای (Hortäwnäy)	هضم:	
رازنهر (Ŕäznar)	هضم: زینتبخش:	
خشل، رازنه (Xəşĺ, Ŕäzna)	زينت:	
Ad'älama,) ئاولەمە ئاولەمە	جنين:	
(Äwlama		
لهماوورد (Lamäward)	مادرزادى:	
واچدزا (Wäçazä)	اصطلاح:	
سەرئاوى (Saräwî)	شناور:	
قەتارە (Qatära)	صف:	
کارەرپەھات (Käraŕahät)	فاجعه:	
دەمودەس (Damûdas)		
شەقل، نەخشە (şaql, Naxşa)	ضربتی(سریع): طرح:	
دەفرشۆر (Dafərşor)	ظرفشویی:	

ويهردهو ئهدهبو ههورامي

«بۆنەكارە بنەرەتىيەكاو كۆنبىيەو ئەدەبو ھەورامى»

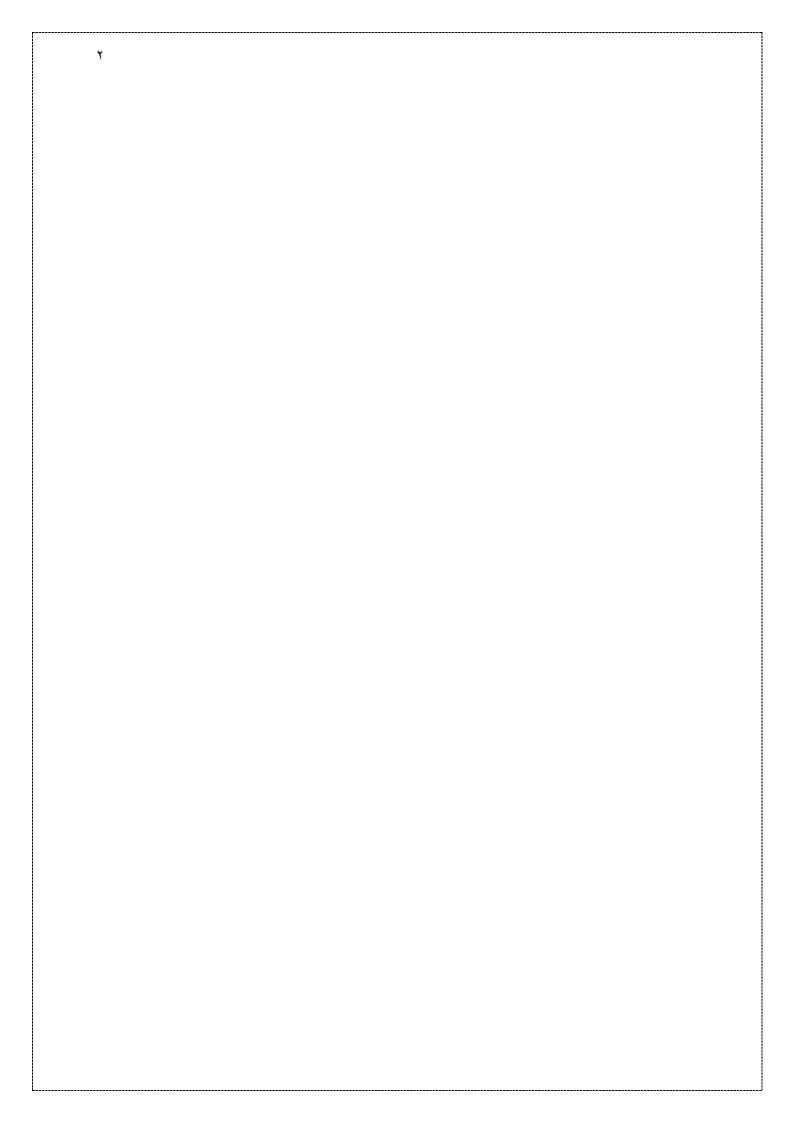
بئ گومان بییه و شارستانییه تی گهوره ته این بزنه کاروو وه شبیه و فهرهه نگ و ئهده بین جه دلی ئینسانی و زوانیه نه شارستانییه ت (ژبوار) نهزمینوه ن جه دلی جهماوه ریه نه که بو به هو و ئانه یه که به رهه مینوه فه رهه نگیش چه نه خیزیو. کوشکو شارستانییه تی سهرو چوار کوله کی مهرزیانه ره:

۱- پیشبینی و دهسپوه گیرتهی جه بوارو تفاقو گوزهرانو ژیوای: دهسپهنه کهردهو شارستانییه تی جه بوارو ئیژدارییهنه (ئابووری) به کشتو کالکهرده ی دهسپهنه کهرود.

۲ وهشکهرده و پینکئاماییوه سیاسی: دهسه لاتیوه همرچهن ساکار، پهی پاریزناو
 جهماوهری.

۳- وهشبییهو نهریتی کهردهوهیی: دیارا کهردهوه یان ئهخلاق یاساییوه نادیارهن که بو به هو وهشبییه هیرمنییه دهروونی و پیوهره ژیواییوه جهماوهری.

١



۱ – شارستانییهت جه ههورامانهنه

١-١- شارستانييهت جه ههورامانهنهو ههلمهتو ئاشوورييهكا:

به سهرنجداو تا به لنگه و سهرچهمی که جه بوارو زانستی ویرده پنه یاگی هیچ گومانێوه پهی کونبییهو شارستانییهتی جه هورانمانهنه نمازووه، ههورامان یهری ههزار سالی چیوه لته (روهو ویردییه نادیار) هم خه لکینوه به ژیارش چهنه ژیوان و هممیچ چنهها يينکئاماي سياسيي ورديليش چهنه بييهني. جه سهردهمو ههالمهتو «شملهنسهری یهرهمی ناشووری» (۸۵۸-۸۲۴ و نز) یهی کوردستانی و به تایبهت یهی بهشو همورامانی، بیسوحوّت حوکمرانی وردیی چی محالهنه (یارسوونا تا وارو ورمی) دەسەلاتشا بىيەن و ئاشوورىيەكا باج وخەراجشا چى دەسەلاتە وردىيانە گيرتەن. ئى راستییه جه سالامو ۸۳۷ یا ۳۵۸و نر جه لهوحیوه تاشووری تاماژهش یهنه کریان. ئی لموحه يؤوهمين سمرچهميزوهن كه نامي «ئامادا »يش (ماد) لينه نڤيسيان. (دياكونوف (Dyakonoff)، ۱۳۷۷، ل ۱۵۵/ ویل دورانت (Will durant)، بــهرگی ۱، ۱۳۷۰، ل ۴۰۵ / اورانسکی (Oranskij)، ۱۳۷۹، ل۵۸ ردنسر (Radner)، ۲۰۰۳، ل، ۳۸–۳۹) عالو همورامانی بهشی سمره کی ولاتو «یارسووتا»ی (parsua) بییهن. دیاکونوف جه «ویهردهو ماد »یهنهده قهرو یارسوونای نهییسه دهسنیشان کهرز: «ولاتو یارسووناو ئا سەردەمىيە كەوتەن دلى يەرەسووچوو ئا يەرە ياگى كە ئىسـە شارو «سليمانى» و «سنه» و «زههاو »شا چهنه وهشي بييهني و «شارهزوور »يچ جه بوارو بهرههمو کشتووکالنی و همریاسه جهماوهری جه گردو پاگهکاو تهرو پارسووئای ئاوهدانتهر بييهن. يارسوونا ناميوهن كه جه لئ راسهو سهدهو نو و وهل جه زاي يي ولاتيا واچیان.» (دیاکونوف، ۱۳۷۷، ل ۸۷). خه لکو پارسوونای سهقامگیری بییهنی و وازشا جه کۆچەرى ئاردەن و دەسشا كەردەن به ھەرمانەو كشتوكالى (دىاكونوف،١٣٧٧، ل (100

دیارا ئهگهر محالو ههورامانی و دهوروپه شتش ئاننه ده سکهوتو شارستانیه ت و یاگی تهرسیش پهی ئاشووریه کا چهنه نهبیایا نه گنی و هروو هه للمه تو و ده سدریژی و تهماو ئاذیشا. نهریتو تهوه نه نووسیه یچ دلی ئاشوورییه کا ههر باو بییه ن و حه زشا کهرده ن که به شیرویوه تیروته سهل باسو سهرکهوته یی و ده سه لاتو ویشا جه گر لاییوه نه نیشانه با. (اورانسکی، ۱۳۷۹، ۵۱۸ و ۵۲)

تا کهرهسه جهنگییه کانزاییی (فلزی) و دهفره بوروزنزییچه که جه سالهو ۱۹۹۷ی جه شاروِچکهو «بیاره»ینه ئیزیاینیوه و ئیسه ئینای جه موزهخانهو سلیمانی، ویهرده کهشا گیلووه پهی سهدهو حوت و ههشتو وهل جه زای و ئا شارهویرانیچه جه پالو بیاره ینه کهرهساشه چهنه ئیزیانیوه دوور نیبا کهوته بو وهروو ههالمه تو دهسدریژیو ئاشووریه کاو ئا سهرده میه. (کریکار، ۱۹۹۸، ل ۵۹)

١-٢- يهره قهوالله كاو ههوراماني:

يۆتەر چا بەلگە فرە وەرچەميانە كە بىيەو شارستانىيەتى جە ھەورامانەنـە سـملنۆ يەرە قەواللەكاو ھەورامانىيەنى. ھەرچەند كە ئى قەوالىي فرى بىيەنى، بەداخوە دوكتۆر سهعید خانی کوردستانی تاوانش تهنیا ههر پهریشا وزو دهسو پسپوری بوارو زوانی و ويمردهناسي. (مينس (Minns)، ۱۹۱۵ز، ۲۳۵) دڤي چي قهوالانه به رانووسو یونانی نقیسیاینی و ویرده و یوشا گیلووه یمی ساله و ههشتاوهه شتو وه ل جه زای و ئەوپچشا جە ساللەو بىسوودوو و.ز. نقىسيان. يەرەمىن قەواللە جـە ساللەو يانزدە يان دوانزهو وهل جه زای نقیسیان، جه سهردهمو فهرادی چوارهمی تهشکانی (۳۸ و .ز تا ۲ ز) و رانووسه که یچش ئه لفوبینی ئارامی - په هلهوی ئه شکانین. دلینه و هه ریه قموالله کا باسو تمستمی، ورتمی یان به کرههاداو باخی همنگوورا کمرا. گردو تا نامانه که چی قهوالآنه تایو کریاینی پیسه نامی رهزبانه کهی، سانه ره که، ورهشیاره که و شایهتو مامه له کهی، گرد نامی خه لکو نا ناوچهینی. سهره راو ئینه یه چن وشی ته ریچش چهنه ههنی که یونانی یان ئارامیی نییهنی و دیارا هینو زوان و خه لکو تاگهیهنی، پیسهو: «روزبان»ی، «مهیبان»ی، «دادی» و ... (جهمال روشید ۲۰۰۵ز، ل ۱۰۴–۱۵۳)

خالیّوه ته ره وه رچه مینه ئانه نه که ریّنووسه ئارامی - په هله و ییه که په ی ئانه یه ویش چه نی زوانو خه لکو ئاگهیه (ههورامان) گونجنز چنه نیشانیّوه شا که و ته نی سه رو ئی نیشانانه جه هیچ نقیسیاییّوه ته ری په هله وی یان ئارامی جیا چی قه والانه نه ئیزیانوه. (کاولی ۲۹۱۹، ل ۲۹۷ تا ۱۵۴) مینس زوانو قه والیّه و یه رهمی به زوانی کوردی یان زوانیّوه که هیشتا دیار نیا، نامی به رق (مینس، ۱۹۷۵ز، ل ۶۵)

دیارا نقیستمو به لاگمی تمنانه ت پمی کره هاداو باخیوه همنگووری جمه زیات مر جمه دیارا نقیستمو به لازوزین «زوزین »ی) دقی همزار سالای چیوه لاتمر و همر پاسه بییمو زهری (زهره یوه به نامی «زوزین»ی)

نیشانیوه فره گهورینه پهی مسوگهرکهرده بیه شارستانییهت و فهرههنگیوه ده و گهروی مسوگهرکهرده و بیه مارستانیه و مانیه نه.

١-٣- ژيرلهومهرێ:

پهنهوازهن ئیشاره تیوه کورتیچ بده یمی به «ژیرلهومهری» پیسهو پیکناماییوه پاویژکاری- سیاسی پهی راوهبهردهی کاروبارو خه کمی جه محالا ههورامانیه ند. خه ککو ههورامانی ئیسهیچ وه ختیوه نامی ژیرلهومهری مژنهوا «گهوریه ژیرو ده گای که وهرپهرسو چارهسهری کاروبارو خه لکین» مهیوه نهزهرشا. (عهبدوره زاق،۲۰۰۵، ل ۲۰۱ تا ۱۳۷ کر وتوویژ چهنی: مهجموری سهجادی، خه لکر ده گار که لجی) هزرچنیهو ژیرلهومهریچ جه راو ده نگدای خه لکی بییه ن و کهسیوه پیر و زانا به نامی «پاوهر»ی وه رپهرسو راوهبهرده و هزرچنیاکمی بییه ن و کهسیوه پیر و زانا به نامی «پاوهر»ی وه رپهرسو راوهبهرده و هزرچنیاکمی بییه ن و چوار تا شش کهسیچشا پهی ماوه و چوارسالی هزرچنیه ن و ژهنیچ تاوانشا ههم ده نگ بدا و ههم وه رچنی (کاندیدا) با. واچهو «مهرزی که یاگیو هزرچنیه «ژیرله» کا بییه ن، ئیسهیچ جه چنه ده گاییوه همورامانی پیسهو دزلی، زاوه ر و کهماله، دهماودهم مهنهن. (احمد نظیری، ۱۳۸۳، ۵۴ تامی تا ۷۵). پهی نموونهی: مهروه مهری دو زاوه ری: دزلی، چهمهو مهری: کهماله، ده ره ومهری: نامی ده گاییوه ن، مهری و زاوه ری: باخاتیوه ن جه ده گاو زاوه ری) (عهبدوره زاق، ۲۰۰۵، ل ۲۰۱)

سهرچهمه تازه کایچ راسهوراس ئاماژهشا به بییهو ژیار و شارستانییهتی جه همورامانه نه کهردهن، پهی نموونهی جه کتیبیوه سهردهمو ناسره دین شای قاجاری (۱۲۶۴–۱۳۳۱ ک.م) پیسه نقیسیان: ههر فره زووه لای گزرانه کی که فره تهر هه نی جه ناوچهو کرماشانی و کوردستانو ئیرانییه و ازشا جه دهوارنشینی ئاردهن و بییهنی به شار و ده گانشین و ههرپاسه فره تهر و بازرگان و پیشهساز و عولما کاو شارو

سنمی جه گۆرانه کانی. (کتابچه وافی، نووسهر نادیار. ل ۸۱) دیارا که به شیوه گهوره و گورانه کایچ همورامیینی.

ئاشکران به ینو زوانو کوردی همورامی و زوانی پالهوی، تمنانه ت زوانو ئاڤێستایی که وه ل جمه زوانو پالهوی بییمن و کتێبه شکومهنه کمو زه پدهشتیش (ئاوێستا) پهنه نڤیسیان، پهیوندی و چهنه شیه یه فره همن. ا

به لام مهبهستو ئیمه چی وتاره نه پهیلوواو «ویهرده ناسی زوانی» (languestic) نییه نیمه چی وتاره که ئیسه

بهرگوو دووههمی: اَسپ(۱): ئهسپ (ه) / ویر(۱): ویر (ه) / دِئـوه(۱): دیّـو (ه) / سیّاو(۱): سیاو (ه) / گیّه (۱): گیان(ه) / مَخشی (۱): مهشـی(ه) / وَچ(۱): واچـه(ه) / وَفر (۱): وهربه /هور (۱): وهر(ه). (یشت،۱۳۷۷ (یشتها: بهرگی یهکهم: صص ۶۰۳ الی ۶۲۶ ، بهرگی دووههمم: صص ۵۰۸ الی ۵۲۷)

همورامییه کا پهنهش قسی کهرا و میاواشهنه، ویهردهو ئهدهبیش پهی کهی گیلوه و تهنیا سهرچهمهش یهی ئیمه ده قی نهدهبین.

شیعرهو «هورمزگان»ی:

شیعرهو «هورمزگان»ی که یینسهو ههوه لین دلیندده قی شیعری کونی ههورامی نامينش بريان، هموهل جار «دوكتور سهعيد خاني كوردستاني» جه وهلينهو كتينووو «نزانی مزگانی» یی جزره ئیشارهتش یهنه دان: «ئی شیعری سهرو یوسو کهلیّوه نقیسیان و چنه بهیتیوهن که دیارا کوتایی شیعریوه ماتمنامهیی و سکالایین و به شینوه و شیعره کاو «بابا تایه و «سولتان سههاك» و یاره کاش نقیسیاینی» (ییشه کی نزانی (مزگانی)، تاران ۱۳۰۹، ل: ط) دماتهر «بههار» واتهنش: تهگهر تی شیعری ساختی نهبا یاسه دیارا گیلنوه یهی سهردهمو هرووژمو عهرهبه کا یهی ئيراني. من (بههار) نوسخهو ئي شيعري و تهرجهمه كهشم جه ماموساي زانا، دوكتور سهعید کوردستانی، گیرت. (بههار، ۱۳۱۶، مجلّهی مهر) دماتهر «رهشید یاسهمی» و فرئ جه نووسهره کورده کا قسه کاو دو کتور سه عید خانیشا دوویات کهرده نو و پهردهو ئی شیعریه گیلناوه یمی سهره تاو ئاماو ئیسلامی. (یاسهمی، ل ۱۲۹) «دوکتور هومایونفهرروخ» ماچۆ: گومانكهردهی یمی ساختهبییهو ئی شیّعری بیّمانان. دلیّنهو ئى شيعرى ياونو كه ئى شيعرى رەسـەنەنەو دەسـكردە نييەنـه. (همايونفـرّخ، ١٣٧٠، ل ۷۸۲) به لام دماتهر کهسانیوه پیسهو «د.جهمال نهبهزی» ئی شیغری به ساخته و دەسكرد زانا(جەمال نەبەز، ۹۷۶ ۱۱۱ ۱۷). بريارى دمايى مازميوه يەي ئەوەكۆلياى زیاتهری و ئیزیای به لاگههایهوه ته ر پهی سملنای یان نهسملیای راسی باسه کهی.) ای

۲- ئينهيچ دەقوو شيعرەكئ «هورمزگان»ى:

هورمزگان پمان ئاتدران کوژان ژورکره ئدهره کردنا خاپوور ژون و کهنبلکا وه دیل بشینا

ویّشان شاردهوه گهوره گاوران گنا پالهیی بشی شارهزوور مهرد نازا تلی ژرووی ههوینا

یارسان:

بالوولى ماهى (مايى):

هموه لآین که سینوه که چی تایینه نه پیسه و نویسه رو شینعری ههورامی ته شناسیان «بالوولی ماهی»ین. بالوولی ماهی جه ساله ۲۱۹ (ك.م) کوچش که رده ن. بوره کسه ی جسه زواند و ده سنوسینوه کسه کاکساره دایی نسامیوه جسه سهده و ۹ (ك.م) کوش که رده نوه ماچو: بالوول جه ماهول کووف جه ته دای بییه ن و

رەوش زەردوشتر مانەوە بىندەس بزيكا نىكا ھورمز ھويچ كـەس

ئەگەر مەزانى ئىنە چى مەردەن؟ نازە ناخوونەش ئاودزش كەردەن

[&]quot;- جه وتویژیهنه چهنی «ماموّستا نهیوب روّستهم»ی سهبارهت به کوّنتهرین دهقه شیّعریه کیّ زوانی کوردی هوّرامی: ماموّستا نهیوب ئاماژه ش دا به بهیتیّوه شیّعره که سهروو کیّلیهوه جه سنووروو ده گاو «سهرگهت»ی ویّش چهمش پهنه کهوتهن و فیلم و ویّنهیچش چهنه هوّرگیّرتهن. میّژوو شیعره کیّ ههرپاسه که سهروو کیّله کیّوه دیاری کریان گیّلوّوه پهی سهرهتاکاو سهده و یه کهمی کوّچی مانگی ساله و ۱۳۵ی. نا تاکه بهیتیچه که سهروو ئی کیّلیّوه هوّرکوّلیّان ئینهنه:

به رهسه ن کورده ن. چا سه رده مه نه به دینه وه ری واته نشا ماهولکووفه، پهی ئانه یه که خه راجو دینه وه ریشا دان به کووفه ی، نامیش بییه ن به ماهولکووفه. نموونه و شیعره و بالوولی:

ئهز بههلوولهنان جه رووی زهمینی چار فریشتانی چاکهر کهرینی نیجوومی سالیه و رهجه بینی چهنیو لوره بیم جه ما و ههفتینی هونداوه کاو دهوره و بالاوولای به شیوه و دفهدی دفهدی نقیسیاینی، پهی نموونهی شیعرو «بابا نجوومی لورستانی» (سهده و ۲ و ۳ك.م) که بالاوولا جه شیعره کاو سهریهنه ئاماژهش یهنه کهردهن دیسان به شیوه و دفه دیریینی:

زروان بسیانی زروان بیانی نده دهورهی وهرین زروان بیانی ندهری و وهرمهزوو یاران دیانی کالآی خاس بار ئهو دهم شیانی (بۆرهکهیی، ۱۳۷۶، ل۳۹تا ۴۷)

كۆنتەرىن ژەنەشاعىراو يارسانى:

کۆنتەرىن ژەنە شاعیرەو يارسانى كە جە نامەو سەرەنجامىنە ئاماژەش پەنە كرياينە «دایە تەوریز»ى ھەورامىيەنە كە جە سەدەو چوارى (ك.م)ىنە ژیواینە. دایە تەوریزە موریدو بابا سەرھەنگى دەودانى بىيەنە. ئىنەیچ نموونەو شیعریش:

رازهن پیالهم رازهن پیالهم سهرسامم نه بهزم رازهن پیالهم بیالهم بی

شێعرهو سۆرانى جه ئايينو يارسانييدند:

پیر ئەحمەدى كەركووكى:

ئهز ئه حمه دی زیرین به رم ئه رز و سه مایه له نگهرم

ئه ز ئه و دورهی ناو گهوههرم له رۆژ حهساو ئه ز له دهرم (بۆرهکهیی، ۱۳۷۶، له۹۶)

عابدینی جاف:

شاری هـورمـزگانـم عجـوانه تـهم شاره بـو يـاران خوانه ئـاری هـورمـزگانـم عـاوه گـهرچـی گـهليّکی پمـاوه غوونهو شيعري حوّت برگهيئ عابدينی جافی:

بسۆ پىيىرە پىيىرە پىيىرە بىدۆ ئىلىرە ئىسىرە ئىسىرە بسۆ بىيىرە بىيىرە پىيىرم بىق سىيىرە سىيىرە پىرم...

(سەرەنجام، ل ۴۹۲)

٤ . ياگئ سەرنجييەن كە چێگەنە عابدينى جاف ئاماژە بە شاروو ھورموزگانى كەرۆ و ئىنە تاوۆ بـەلگئۆە بـۆ پـەى سـﻪلمناو ڕاســى شــيعرەو ھورموزگانى كە وەلتەر باسما كەرد.

سولتان سههاك:

سولاتان سههاك (سان سههاك، سولاتان ئيسحاق، سولاتان ئيساك) پيسهو گهوره تهرين كهسيه تى ئايينو يارسانى ئه ثناسيان. سولاتان سههاك ويش كورو شيخ عيساى بهرزنجى و خهلاكو ده گاو بهرزنجهى بييه و ئه ثايچش دايراك خاتوونه كناچى مي عهمه د سهروكو هوزو جافى يان حسين به گى حهلوانى (بوره كهيى، ١٣٧٥، ل ١٧) بييينه د. ديارا سولاتان سههاك به ره چهلاهك ههورامى نهبيهن. بهرزنجه يه كاي جه تايفه گهوره كاو جافيه نى و جه بوارو زوانيوه به كوردى سورانى قسى كهرا، به وهرچهم گرتهو سهرچهمه كا سولاتان سههاك جه تهمه نو جوانييه نه جه بهرزنجه وه كوچش كهرده ن و ئامان پهى ههورامانى (هادى به همه داى ۱۲۰۰، ل ۲۰۰۷) ئهيوب روسته م، ۲۰۰۶، ل و ديارا زوانو ئه تاييش ههورامى نهبيه ن، ۲۰۰۱، ل ۲۰۷۷) و ديارا زوانو ئه تاييش ههورامى نهبيه ن. به وه رچهم گيرته و ئى خاليه ياومى به دوى دهره نجامى:

۱ – ئايينو يارسانى به زوانى كوردى همورامى وهل جمه سولتان سمهاكى جمه همورامانهنه بييهن.

۲- چا سهردهمهنه ههورامی زوانی ئیستاندارد یان پییمانه بییهن و ههر ئانه بییهنه که گهورهتهرین کهسیهتی یارسانی سهره راو ئانهیه که ویش کوردی سورانی بییهن، پهی پهرهئهستهو که لامیش پهیامه کهش به زوانو کوردی ههورامی یاونان خه لاکی.

دیسان جه بوارو زوانیه نه جیا جه چنه کهسیّوه کهم، ههورامی زوانو پیمانهو شیّعرو یارسانی بییهن. چا یاگایچه که شاعیّریه زوانی تهداییش ههورامی نهبییهن و به همورامی شیّعری و اتیّنی کاریگهری زوانه ته داییه کهش جه شیّعره ههورامییه کاشهنه ویّش مهرمانق، یعی نموونهی:

نامینما زهمیر نامینما زهمیر (ضمیر) نه قبولهی تهزهل نامینما زهمیر

دووهم حداثقه بیم نه دجلهی ئدمیر پیشهنگ کاروان بیم چون بیم وه سهفیر (سهرهنجام، ل ۴۹۲)

بيم: واچيه كهلهوړين

كيش و سهرواو شيعره كاو يارسانى:

تهشکو (قالب) شیخورو یارسانی بهگردین دوهتایییهن(مهسنهوی). جه بوارو کیشیهوه ده برگهیی و ههشت برگهیی و بهدهگمهنیش ههفت برگهییییینی. ئی کیشی بهتایبهت ههشت برگهیییی و ده برگهیییی جه شیخوره کاو ئاویستایچهنه ههنی، به تایبهت جه بهشو گاتاکا و یهشته کا.(پورداود ۱۳۷۰، ل۷) مشیق ئاماژه یچ پانهیه کهرمی که شیخوره ههورامییه کاو یارسانی بهگردین جه بوارو کیشیهنه ده برگهیییینی.

ده برگەيى:

کــــووره تـــاو دهره کووره تــاو دهره سهییدمیرئه همه د کووره تاو دهره (سان سههاك، سهرئه نجام، ل ۳۳۴)

ههشت برگهیی:

مــن عــابــدــنـــى كـاكهييم ئــاخــر بــه يــارى خوّم گهييم (عابدينى جاف، سهرتهنجام، ل ۴۹۲)

ئسهز ئسه حسمه دی زیّریس بسه رم نسه و دورهی ناو گهوهه رم دیره نام آوران یارسان، بزره که یی ل ۹۶)

هەفت برگەيى:

كۆنبىيەي يان تازەيى شيغرەكاو يارسانى:

به وردوهبییمی جه نامه سهره نجامی جه بوارو کۆنهیی زوانیوه یهری پهیلوای جیاوازی مهیانه مهیان:

سەيدى: ئەز پەى كيۆ زۆمم خەتەر كيبلەم زەرێو بديەرەوەر

زامدار خویت پهرسه خهبهر تهرسه خوای هومواره به (ل ۲۴)

كيبله: قيبله /ك/ = /ق/

-سا بدیه دیدهم چی بی تهما بوو ئاشك چکو بو پهی بی تهمایی (ل۰۴)

ئاشك: عاشق /ع/ = /۶/ /ك/ = /ق/

-چوار پۆزىم ژمۆرى ساللەو ئەمرىم گهى با شادى و گاهى به ناشاد

(پۆزى: پانزه، ژمۆرى: ژماراى) ل۵۱)

تهمریم: عهمریم /۶/ = /ع/ (دیوانی سهیدی، ۱۹۷۱)

به لام پهي نموونهي جه شيخره کاو نامهو سهره نجامييهنه:

بالوول: (سهدهو ۲و ۳)

دێوانمي زاير، دێوانمي زاير داناي يارانم دێوانمي زاير

زایر و عمیه کهفتهن نه بابر رهجه به نهسیم لورهمهن ئایر

(بۆركەيى، ١٣٧٠، ص٥٠)

بابا حاتهمی لورستانی: (سهدهو ۲و۳، ص۵۸)

رهمز دیوانه رهمز دیوانه حاتهمهنانی رهمز دیوانه دانای عامهنان وه بی بههانه نهز ویلم چهنی ئی رهوو رانه دایه تعوریزی هعورامی: (سعده و ۴)

بابا رهجهبی لورستانی: (سهدهو ۲ و ۳)

ساقیا دهستم ساقیا دهستم جامی تمر باوهر بگیره دهستم تمز جه مدیخانمی روّی تعلمست مهستم مهستیی پهیمان تایینم بهستم

د چ مه کنزییش جه تزکاری و ئه و کزلیای فزنیمه کاو زوانو هه ورامی جه زوانو (ته حسین به گی نه وسوویی) وه ئاماژیوش به فیزنیمی (واچ) /غ/ و /ع/ نه که ده ن (مه کنزی، ۱۹۶۶، ل ۵) ئینه به واتاو ئانهیه نه که تا ئی دماییانه ش ئی فیزنیمی نه تا وانو هه ورامی.

۲- گومانمیّوه تمره ئانه نه که چانه هه ن که تا که سی که دماته ر شیعره کونه کاشا دووباره نقیسته نقه (ناسخه که) زوانو شیعره کاشا به پا و سهرده مو ویشا وارا بو و رواله ته که شیعری ئایینیه نه نه نه که جه شیعری ئایینیه نه مهبه ستی سهره کی یاوناو دلینه یان پهیامو به رهه میّوه ن نه ک رواله ت.

۳- هموه لین شیخرکی زوانو فارسیچ جه راستیه نه جیاوازییه پاسنه شا جه بوارو فزنه تیکیوه چهنی شیخره تارزیینه کاو و زوانی فارسی نییه نی. پهی نموونهی «حمنزه لمی بادغه یسی» که میژوو ژبوایش هامسه رده مو بالوولی ماهین (حمنزه له

سالهو ۲۲۰ك.م مهردهن و بالوول ۲۱۹ك.م) شيعره كيش جه بوارو زوانيوه جياوازييوه ياسهنه شارق زوانو فارسى ئارقى نييهن، يهى نموونهى:

بزرگی گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی یا بررگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت، مرگ رویاروی

(ذبیح الله صفا، ۱۳۷۵، ل ۱۸۰)

یان شاعریوه ته رپیسه و «مه هموودی وهرراقی هیره وی» که ساله و ۲۲۱ این مانی دوی سالی و سالی مهرده ن جه چنه شیعریوه که می که چایی مهنینیوه هه و پیسه شیعره کاو بالوولی واچی (واچه) عهره بیی گنا وه رو چه می.

پەي نموونەي:

نگارینا به نقد جانت ندهم گرانی در بها ارزانت ندهم گرفتستم به جان دامان وصلت نهم جان از کف و دامانت ندهم (ذبیح الله صفا، ۱۳۷۵، ل ۱۸۱)

واچه عمرهبييه كا: نقد، بها، وصل

ویهردهو پهخشانی جه زوانو کوردی ههورامییهنه:

سهباره ت به ویهرده و پهخشانی ههورامی و تا پهخشانی که دهقه که شا کهوته ن ده سه اره ت به ویهرده و پهخشانی ههورامی و تا پهخشانی که دهقو که جه ده سهوری که که جه بروارو زوانیو هیوری که که خه به کاریگهری عهره بی و زوانو سهرده مو تیسه یشا سهروه فره ن. یهی نموونهی:

«بهعد یاوا وه دوونی شاخرٔ شین وه زات به شهری هه وه دورهی موفه سه لای که لامش ههن. به عد لوا وه دوونی بابا ناعووس دوو زات میهمانی . وه به عد لوا وه

دورنی بابا جهلیل وه بابا سهرههنگ وه بابا بی وه دهرویش تهمام وه زاتی میهمانی تا یاوا وه دوونی سان سههاک » (ماشاالله سوری، ۱۳۴۴، ل۹۶) ماموسا عهلائه دین سهجادی ویهردهوو ئی پهخشانانه یاونوّوه پهی دهورهو سهفهوییهکا (عهلائهدین سهجادی ویهردهوو ئی به پهخشانانه یاونوّوه پهی دهورهو سهفهوییها (عهلائهدین سهجادی، ۲۰۰۰، ل ۳۰) به لام به راو نقیسهرو ئی دهقیه ئی پهخشانی سنعهشا فره کونی نییهنی. پهی ئانه یه جه بوارو زوانیوه تهمام تیکهلو زوانی فارسی و دیالیّکتو کهلهوری بییهنی و به ناشکرایی دیارا که واچهره کهشا یارسانییوه کهلهورهن یان لهکهن که ههورامی به باشی نمهزانو و فارسی و عهره بیچش (بهتایبهت ئا واچه عهره بیی جه فارسییهنه باویّنیّ) تیکهلا و دهقه کهیش کهرده ن همر پیسهو کهلهور یان لهکیوه که ئارو فارسی تیکهلو قسه کاو ویش کهرو، پهی نموونهی به سهرنجدای یا وشیّ که خیّتهما کیشتهن چیریشا ئی راسییّما پهی بهر گنا.

چوون جسمش ناپوخته بی زات همم نهداشت نهتوونست بلق وه ساج نار (پهخشانهو حقتهمی)

(جسمش: لهشش بي: بي نهداشت: نهبي نهتوونست : نهتاواش)

(ماشاءالله سوري، ۱۳۴۴، ل۹۷)

پهروو بالش وه رووی کهف گهوههر رشیا (پهخشانه و چوارهمی) وه دهورهی پهردیوه ر بایه د بوون (پهخشانه و نزههمی)

(ماشاءالله سوری، ۱۳۴۴، ل۱۱۲)

پهنموازهن چیگهنه ئاماژیوه به یمی به دهقو پهخشانو نامیه که مهلا عهبدولکهریمی موده پریس چهمش پهنه کهوتهن و ویهرده کهش گیللوه پهی سهده و په نجی کوچی و تاومی به یهکمین دهقو پهخشانو زوانو ههورامی به یمیش قه لهم، ماموسا فهرماوو: «جه حهفتاکانه یو جه براده ره کاو ولاتو ویما که جه ئالمانیانه بی چنه نامی و چنه غهزه لیش پهی کیاستانی که «بابا ناوس» و «قازی نهبی» و «شیخ عهلی» پهی ههنترینیشا نقیسیه بی که به شیره و ههورامی ئا سهرده میه نقیسیان و ویهرده کهش

گیلوّوه پهی سالهو ۲۷۵ کوچی.» (مهلا عهبدولکهریی موده ریس،۱۹۸۳، ل ۳۸۹) به الم امداخوه ماموّسا ده قو نامه که یش نه نقیسیه ن.

بی گومان ماو نسارو شاهری هانیه بییهن تا تهژنایی روّحی به دیمه سیخراوییه کاو همورامانی ماروّره و هامکات چهنی تهقاو بیّلوو قهلّوه وهانه هانه و دهروونوو همورامییه کا قولّهش به یو ئاوه و حهیاته و شیعری پیّشکه شو روباره کاو و یهرده و ئهده بو کوردستانی کهروّ.

ئەنجام:

هدورامان بي گومان جه ويهردييه فره كۆنوه ماواو شارستانييهتي بييهن. هه لمهته كاو ئاشوورىيەكا جە ھەزارەو يەرەمو وەل جە زايىنى و ھەر ياسە يەرە قەواللەكاو ھەورامانى دوی نموونی چا به لکانهنی که ئی راسیی سهلنا. خه لک و ئی ده قهرییه سهرو بناغه و ئی شارستانییه تیه تاوانشا سامانیوه هونهری و فهرههنگی بهرههم بارا و ئی شارستانییهته بهستین و زهمینیوهش فهراههم کهردهن تا دماتهر ههورامییه کی لاکهراوه پهی گولزارو فهرههنگو ئهدهبی. «ئایینو یارسانی»یچ پالنهریوه بههیز بییهن پهی گهشهو شیعر و ئەدەبى جە ھەورامانەنە. كۆنتەرىن دەقەكاو شىعرو ئايىنو يارسانى جە سەرەتاو سەدەو پهرهمو ئیسلامی دهس پهنه کهرا و ههر ئی شیعریچه سهره تاو ویهرده و ویژهی کوردی حهسیّب کریا. زوانوو ییّوهروو شیّعر و پهخشانوو پارسانییه کا زوانی کوردی همورامی بییهن. کتیبوو «نامهو سهرهنجامی» دهقی پیروز و شکوداروو یارسانه کان که فره ته رینوو سرووده پيرۆزه کاو پارسانيش دلئ ويشهنه پاريزنان. جه ويهردهو ويژهو کوردي ههورامينه ژهنیچ دهورشا بییهن و ئهوهانین ژهنه شاعیرهکاو ههورامانی گیلاوه یهی سهدهو چواری ئیسلامی. بینگومان دهسه لاتو ئهرده لانییه کا و ههریاسا زانا ئایینی و عیرفانییه کا همورامانيچ دوي بۆنه کاريتهريني که بيهني به هوو گهشه و ئهدهبي همورامي چي محالهنه. گرفتی فره وهرچهم ئانهنه ئهگهر گهرهکما بو به شیویوه ئاکادیمیك كونینهو ئهدهبو ویما سەلمنمی مشیق یەشتی به بەلگەی باوەرپەنەكریا بینمی و ئی بەلگایچە به هق نەبیەی سهنتهریوه زانستی و فهرههنگی بهداخوه دلی خهانکیهنه پژگیاینی یان دلینه شیهنی و تهنیا ههوالنّوه نیمهو ناتهمامشا یهی ئیّمه به میراس مهنهنوه. (پهی غوونهی ئا پهخشانی که گێلاوه پهی سهدهو پهنجی ئیسلامی و ماموستا عهبدولکهریی موده رریس ئاماژهش پهنه دان).

- جوگرافیاو بر هو و ویژه و هورامی

وارهنه ئیشارهما دان به پانزه ئهدیبی کوردستانی که گردیشا به ههورامی شیعریشا هونیینیوه و ههرکامیچ جه جوگرافیاییوه جیواز ژیواینی:

۱. ئه حمه د به گ کرماسی (۱۷۹۸ –۱۸۷۸) ناوچه و کرماسی مهریوانی (دیوانو شیعرا) ۲. ئەلماسخان كەنوولەيى (۱۷۰۲– ۱۷۷۶) ناوچەو كرماشانى (شانامەي كوردى و ...) ٣. بيساراني (١۶٤٣–١٧٠١) ناوچهو هۆراماني (ديوانو شيعرا) ۴. خاناي قوبادي (۱۷۰۴ – ۱۷۷۸) ناوچه و باجه لان و سنهی (شیرین و خوسره و ۰۰۰) ۵. رهنجووری (۱۷۵۰ – ۱۸۰۹) ناوچهو کهرکووکی (دیوانو شیعرا) ۶. سان سههاکی بهرزنجی (سولتان ئیسحاق) (۱۲۷۲–۲۸۸)بهرزنجه و ناوچهو ههورامانی ۷. سهید براکه (۱۷۹۵– ۱۸۷۳) ناوچهو کرماشان (دیوانو شیعرا، کهلام و سهید براکهی) ۸. سهیدی ههورامی (۱۷۸۴–۱۸۴۸) ناوچهو ههورامانی (دیوانو شیعرا)۹. **شاخوْشیّن** (۱۰۱۵–۱۰۷۴) ناوچهو لورستان (چهند سروودی به جیّماو) ۱۰. **غولّام رهزا ئهرکهوازی** (۱۷۷۵– ۱۸۴۰) ناوچهو ئيلام (ديوانو شيعرا) ۱۱. مهلا يهريشان (۱۳۵۳–۱۴۲۱) ناوچهو دینه وه ری کرماشان (دیوانی شیعر) ۱۲. مهلای جهباری (۱۸۰۶ - ۱۸۷۶) ناوچه و کەرکووك (دیوانو شیعرا) ۱۳. **مەولەوی** (۱۸۰۶– ۱۸۸۲) تاوەگۆز / شارەزوور (دیوانو شيعرا و ...) ۱۴. ميرزا شهفيع جامهريزي (۱۷۷۶–۱۸۳۶) ناوچهو کهرکووك (ديوانو شیعرا) ۱۵. وهلی دیوانه (۱۷۴۵–۱۸۰۱) ناوچهو شارهزوور و بابانی (دیوانو شیعرا) (مارف خهزنهدار،بهرگی ۲،۱ و۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳)



سەر چەمى:

- معرچممي څورحيي،
- ۱ بعمعهنی، عاحی، پهیامی همور امان، چاپخانمی ژین، همولتر، ۲۰۰۱.
- ۲- جممال نمیمز، زمانی یمکگرتووی کور دی، بلاوکراومی یمکیمتی نمتمومیی خویندکارانی کور د له نموروویا، ۱۹۷۶.
- ۳- حمین عمبحوالاً، کریکار، کورد و ناهووری، بلاوکراوهکانی بنکهی نهدهبی و رووناکبیری گهلاویژر، چاپی یهکهو، وهزارهتی روهنبیری حکوومهتی همریّمی کوردستان، ملیّهانی ۱۹۹۸
 - ۴- حيواني مديدي. كۆكرخىدودو خيكرخىدود محمده ندمين كارخودى، بدر پوبدرايدتى خوزندى كورخى گفتى، چاپداندى كامدرانى مايمانى ١٩٧١.
 - ۵- رمخید نمدمعد. جممال، بهلگمناممکانی معورامان. کتوواری نمکاحیمی. کتوری رانیاری کورحستان، ژمارمی ۳.چاپی ومزارمتی پدرومرحد. ۲۰۰۵.
 - ۶- روستهم، نهیوب ، یارمان، بلاوکر حنموهی عمالیهندی روخنبیری صمور امان، چاپی حووصهم، سایّمانی، ۲۰۰۶.
 - ٧- سەجاحى، غەلائەمدىن، غېژووى پەخھانى كورحى، حەزگاى بلاوكرحنەومى ئاراس، ھمولېر ٢٠٠٠.
 - ۸- عبدالرّحمن، محمد عبدالرزاق، ممربور حیّکی همورامان و ممرحانیّکی تمویّله، نمخری نیدمان، چاپی یمکمو، تاران ۲۰۰۵.
 - ٩- فعالم جمعه سالهج، عيرهات، ژياني كوهماليهايي عمور اهان، ناهدي هاستمر له زانكوي سايماني له لهي كوهمالاسي، ٢٠٠٥.
 - ۱۰ جديرور حصمن، وتاري عمورامان، گوفاري عمورامان، عدايمنحي روهنبيري عمورامان، ژماره ۱، مايّماني ۲۰۰۳.
 - ١١- موحمريّس، معلا عميحولكمريم، ياحي معرحان، بمركّى حووهمم، چاپخانمي كۆرى زانيارى كورد، بعنحاد، ١٩٨٣.
 - ۱۲ ممورامانی، محممد نعمین، میژووی معورامان، بلاو کر حنمومی بلخ، تاران ۱۳۷۹.
 - ۱۳ گوهاری ممورامان، گوهاری معالباهندی روخنبیری معورامان، ژماره ۱۳، مایّمانی ۲۰۰۸.

سەر چەمىي ھارسىي،

- ۱۴ اورانمكي، اي.ام. فقماللغمي ايراني، ترجممي كريم كخاورز،انتخارات پيام. چاپ چمارم.تمران ۱۳۷۹.
 - ۱۵ حیاکونفد، اغ، تاریخ ماد، ترجمه کریم کخاورز، انتخارات علمی فرمنگی، چاپ چمارم، تمران ۱۳۷۷.
- ۱۶ رارغي، معمد ابراهيم، بقش برجمته و كتيبهي تنگيور، هسلنامه فرهنگي پژوهدي فرهنگ غرحمتان، مال پنجه، هداره ۱۶ و ۱۷ . پاييز و رهمتان ۸۲.
 - ۱۷ سراندراز، على اغبر، سن گ نبخته ي ميدي اوراهانات، مبلّه ي بررسيهاي تاريدي، هماره ۳، ۱۳۴۷.
 - ۱۸ موری، ماهاالله، مروحمای حینی یارمان، انتظاراته امیرغبیر، چاپ اوّل، تعران ۱۳۴۴.
 - ۱۹ بمار، معمد تهی (ماکنالگعرا) ، مجلّمی «ممر»، مال پنجم، هماره ۴، ۱۳۱۶.
 - ۲۰ صبی راحه، حدیق، بزرگان تنیین یارمان، مؤسسه مکبوعاتی عکایی، چاپ اول، تعران، ۱۳۶۱.
 - ٢١ سنى زاحه. حديق، حانشنامه ناميخوران يارمان، انتظاراتم ميرمند، چاپ اول، تمران ١٣٧٩.
 - ۲۲ سنى زاحه، سدين، نامه سرانهاء غلاء هزانه، انتخارات ميرمند، چاپ اول، تمران ۱۳۷۵.
 - ۲۳ کور حمتانی، سمعید هان، نزانی و مرگانی، تصران ۱۳۰۹.
 - ٢٠- گنبينه بمارستان، ايلابت غرحستان، چ ١ (غتابه جه وافق)، به تحديع مير ماهم معدّبه، ١٣٧٣.
 - ۲۵ مرحوحي (هيدا)، ملا عبدالله، تاريخ ملاگين مورامان، به كوهش احمد نهيري، انتهارات، پرتوبيان، چاپ اول، مننحج، ۱۳۸۳ .
 - ٢٠- علاعبحالله عوراعي/ عثير بعمن ملكاني عوراعي/ باحر كريميان مرحدتي، تاريخ عوراعان، بدر احمان، تعران، ١٣٨٠.
 - ٧٧- ويل حورانت، تاريخ تمحن، ترجمهي احمد يترام. ع.باهايي، امير حمين يتروان بور. انتظارات يتموزهي انظلب اسلامي، جاب سوم.تصران ١٣٧٠.
 - ٢٨- ممايونفرزخ، ركن الدّين، تاريخ مختم مزارمال خعر ايرانه، جلد حوم، نشر علم، چاپ اوّل، تمران ١٣٧٠.

- ٢٩ يختمها (حو جلحي)، تغمير و تأويل، ابراهيه پور حاود. ناهر اماكير، چاپ اوّل، ١٣٧٧.
- ۳۰ ياسمي، رهيد، غرد و پيوستمگي ټاريدي و نڅادي او، دانشگاه ټمران، بدون ټاريخ.

مەرچەمى ئىنگلىمىي ،

- 31- Cowley A "The pahlavi Document from Avraman" journal of the Royal Asiatic Society, 1919.
- 32- Minns E. H "parchments of the Parthian period from Avroman in kurdistan" journ Hell. Stud.35 (1915)
- 33- Radner, K., "An Assyrian view on the Medes", in: G.B. Lanfranchi_ M. Roaf & Rollinger (ed.), Continuity of Empire (?) Assyria, Madia, (2003) .Persia, Padova.
- 34- Mackenzie, David Neil, The dialect of Awraman, London, 1966.